

## درس نه

برج میلاد

# بیمارستان میلاد



بیمارستان میلاد در تهران

وازگان



rest ..... استراحت

to rest ..... استراحت کردن

hospital ..... بیمارستان

to become ill ..... بیمار شدن

illness ..... بیماری



بیمار

foot پا



modern جدید

ache درد

to ache درد کردن

پزشک

hand دست



stomach دل

mouth دهان

severe شدید



to call صدا کردن

صورت : رو

throat گلو

examination معاینه



to examine معاینه کردن

موقع /ow/ : وقت

موقعی که : وقتی که

prescription نسخه

منشی

## متن



مینو بیمار شده بود. گلویش درد می‌کرد\* و نتوانست به کلاس برود. بعد از ظهر به بیمارستان میلاد رفت. بیمارستان میلاد یکی از جدیدترین بیمارستان‌های تهران است که در جنوب بزرگراه همت قرار دارد. پارک جدید و زیبای گفتگو و برج میلاد، یا بلندترین برج ایران، که چهارصد و سی و پنج متر ارتفاع دارد، نزدیک این بیمارستان واقعند.

موقعی که مینو به آتاق منشی رسید، چند نفر نیشسته بودند. کمی بعد، خانم منشی مینو را صدا کرد و او وا رد آتاق دکتر شد. دکتر حالش را پرسید و او را معاينه کرد. او آن داشت اما بیماریش شدید نبود.

دکتر نسخه‌ای برای مینو نوشت و گفت باید غذای گرم بخورد و استراحت کند تا زود خوب شود.

ساختار ← کتاب کار

## ■ Past Perfect

## ■ گذشته‌ی دور

گذشته‌ی دور از صفت مفعولی + گذشته‌ی بودن ساخته می‌شود:

I had gone	رفته بودم	بودم	+ رفته
You had gone	رفته بودی	بودی	
He had gone	رفته بود	بود	
We had gone	رفته بودیم	بودیم	
You had gone	رفته بودید	بودید	
They had gone	رفته بودند	بودند	

## ● تمرین ۱. به گذشته‌ی دور تبدیل کنید:

۱. من چند روز قبل ..... (بیمار شدن)
۲. تو در آناقت ..... (خوابیدن)
۳. او دوستش را به بیمارستان ..... (بردن)
۴. پزشک او را ..... (معاینه کردن)
۵. شما چند روز ..... (استراحت کردن)
۶. آنها کمی دیر ..... (تلفن زدن)

کدام یک گذشته‌ی دور است؟

۶      ۵      ۴      ۳      ۲      ۱

The past perfect is used to describe a past event that preceded another past event:

My father had gone when I came..	موقعی که آمدم پدرم رفته بود..
previous past event	پدرم رفته بود
past event	آمدم

The past event may be implicit (having been mentioned previously, or mentioned in relation with other events):

تو بیمار شده بودی (موقعی که می خواستیم به مسافرت برویم)  
همه رفته بودند (وقتی که شما رسیدید)

● تمرین ۲. مصدر اول را به گذشته‌ی ساده و مصدر دوم را به گذشته‌ی دور تبدیل کنید:

۱. موقعی که من ..... مهمانها ..... (بیدار شدن - رفتن)
۲. موقعی که او ..... من کاملاً ..... (آمدن - خوب شدن)
۳. موقعی که تو ..... او نامه را ..... (تلفن زدن - نوشتن)
۴. موقعی که او ..... ما ..... (رفتن - ناهار خوردن)
۵. موقعی که شما ..... بچه ..... (رسیدن - خوابیدن)
۶. موقعی که او در را ..... من ..... (باز کردن - نشستن)

کدام جمله هم گذشته‌ی ساده و هم گذشته‌ی دور دارد؟

- ۶      ۵      ۴      ۳      ۲      ۱

■ متفقی - ز + فعل مثبت: نرفته بودم، نیامده بودی، صدا نکرده بود، ...

● تمرین ۳. مصدرها را به منفي گذشته‌ی دور تبدیل کنید:

۱. هوا هنوز کاملاً ..... (گرم شدن)
۲. مهسا هنوز از مدرسه ..... (آمدن)
۳. مهیار پیراهن سفیدش را ..... (پوشیدن)
۴. من تا آن موقع با کسی ..... (صحت کردن)
۵. او هنوز مدرسه‌ی جدید را ..... (دیدن)
۶. هیچ‌کس ما را ..... (شناختن)

کدام یک منفي گذشته‌ی دور است؟

- ۶      ۵      ۴      ۳      ۲      ۱

کار را که کرد؟ آن که تمام کرد.

ضرب اول

### ■ Subjective Pronoun

### ■ ضمیر فاعلی

ضمیرهای فاعلی دارای دو شکل جُدا و پیوسته می‌باشند. از شکل‌های پیوسته (شناسه‌ها) بعد از ستاک‌های حال و گذشته استفاده می‌شود:

	<u>جُدا</u>	<u>پیوسته</u>	<u>جُدا</u>	<u>پیوسته</u>
من =	م	= یم : ما می‌روم	من =	م : من می‌روم
شما =	ید	= ی : شما می‌روید	تو =	ی : تو می‌روی
آنها =	ند	= آنها می‌روند	او =	د : او می‌رود

### ● تمرین ۱۴. جمله‌ها را با ضمیرهای فاعلی کامل کنید:

۱. این کار را انجام می‌ده.....
۲. بعد از غذا کمی استراحت می‌کن.....
۳. همیشه لباس قشنگ می‌پوش.....
۴. صبح تا ظهر تلفن می‌زن.....
۵. تب دار..... حتیً باید دارو بخور
۶. خط فارسی را قشنگ می‌نویس.....

کدام جمله صحیح است؟

- (۶)      (۵)      (۴)      (۳)      (۲)      (۱)

## ■ Possessive Pronoun

## ■ ضمیر ملکی

ضمیرهای ملکی هم دارای دو شکل جُدا و پیوسته‌اند:

my head	/saram/	سرم	=	من
your head	/sarət/	سرت	=	تو
his head	/saraš/	سرش	=	او
our head	/saremān/	سرمان	=	ما
your head	/saretān/	سرتان	=	شما
their head	/sarešān/	سرشان	=	آنها

بین دو واکه، همخوان میانجی **ی** گذاشته می‌شود: پایم، گلویم

● تمرین ۵. ضمیرها را به شکل پیوسته بنویسید:

راحت	راه تو	فَطْم	خَطِّ من
.....	.....	.....	۱. دست من
.....	صورت او	.....	۲. دوست ما
.....	دل من	.....	۳. دهان او
.....	بیمار آنها	.....	۴. دندان ایشان
.....	سر شما	.....	۵. ساختمان تو
.....	هتل ما	.....	

کدام گروه دارای ضمیر ملکی به دو شکل جدا و پیوسته است؟



۶

۵

۴

۳

۲

۱

**درک**

← کتاب کار

تمرين ۱. "من" یا "غ" بگذاري و غلطها را تصحيح کنيد:

۱. ( ) مينو بيمار شده بود. در کلاس خوابید.
۲. ( ) بعد از ظهر توانست به بیمارستان میلاد برود.
۳. ( ) اين بیمارستان در شمال بزرگراه همت قرار دارد.
۴. ( ) برج میلاد از همه‌ی برج‌ها بلندتر است.
۵. ( ) در اتاق منشي فقط مينو و يك بيمار ديگر نشسته بودند.
۶. ( ) مينو غذای گرم، استراحت و دارو لازم داشت.

تمرين ۲. کدام جواب صحیح است؟

- |   |  |                                       |
|---|--|---------------------------------------|
| ۱. <input type="checkbox"/> ارزان است   | <input type="checkbox"/> گران است      | <input type="checkbox"/> جدید است     |
| ۲. <input type="checkbox"/> بيمار بود   | <input type="checkbox"/> بيدار بود     | <input type="checkbox"/> خوشحال بود   |
| ۳. <input type="checkbox"/> شدید نبود   | <input type="checkbox"/> خيلي مهم نبود | <input type="checkbox"/> شدید بود     |
| ۴. <input type="checkbox"/> استراحت کند | <input type="checkbox"/> کار کند       | <input type="checkbox"/> به کلاس بروд |
| ۵. <input type="checkbox"/> غذای سرد    | <input type="checkbox"/> غذای خنک      | <input type="checkbox"/> غذای گرم     |
| ۶. <input type="checkbox"/> ۴۵۰ متر     | <input type="checkbox"/> ۳۵۰ متر       | <input type="checkbox"/> ۲۵۰ متر      |

**۲۰ تمرین ۳. کدام یک را هر انسانی معمولاً دارد؟**

- ۶      ۵      ۴      ۳      ۲      ۱

**نگارش ← کتاب کار**

● تمرین ۱. جواب سوال‌های زیر را کامل بنویسید:

۱. بیمارستان میلاد در کجا واقع است؟
۲. محل پارک گفتگو کجاست؟
۳. چرا مینو به بیمارستان رفت؟
۴. او کی به بیمارستان رفت؟
۵. قبل از دیدن دکتر کجا نشست?
۶. دکتر به مینو چه گفت؟

● تمرین ۲. اگر بیمار شوید چهار می‌کنید؟ لطفاً در باره‌ی بیماری، رفتن به بیمارستان، دیدن دکتر، گرفتن دارو از داروخانه، فوردن دارو و همچنین استراحت در خانه یا خوابگاه بنویسید.

**۲۱ تمرین ۳. کلماتی را که می‌شنوید بنویسید:**

۱. ..... ۲. ..... ۳. ..... ۴. .....  
۵. ..... ۶. .....

## ▪ حُطٌّ فارسي

بِيَارْ پِسِيرْ مِيدانْ نِيمْ بِرَايْ آبِي بازِي وَليْ بِيارِي

← كتاب کار (ضَبط و مُقاِيسَه گُنید) مهمان

**كُفتار**

واژگان

دَارو خَانَه ← [داروخونه] دَنَدان ← [دَندون]

دَهَان ← [دَهن] [دَسْت، مُعَايِنه، مُوقَع]

Joined possessive pronouns after consonants change in the following way. Note that the first person singular is the same both in speech and in the formal language:

[سَرَم] : [ـم] ← م

[سَرَت] : [ـت] ← ت

[سَرِش] : [ـش] ← ش

[سَرِمون] : [ـمون] ← مان

[سَرِتون] : [ـتون] ← تان

[سَرِشون] : [ـشون] ← شان

But: پاَيم، فَرداَيم، گَلوَيم، گُفتَگوَيم ← [پام، فَرداَم، گَلوَم، گُفتَگوَم]

## ۶۰ شکل گفتاری

## ۶۰ شکل رسمی

- مینو: سلام خانم منشی. من مینو هستم.
- ◀ منشی: سلام خانم. خدا بد ندهد.<sup>\*</sup> بفرمایید بنشینید. وقتی که نوبتتان شد، صدایتان می‌کنم. ... حالا نوبت شماست. بفرمایید تو.
- مینو: سلام آقای دکتر. حالم خیلی بد است.
- ◀ دکتر: بفرمایید کجا یتان درد می‌کند؟ چه خورده‌اید؟
- مینو: از همه بیشتر گلویم درد می‌کند. از دیشب چیزی نخورده‌ام.
- ◀ دکتر: لطفاً دهانتان را باز کنید تا گلویتان را ببینم ... تب هم دارید اما چیز مهمی نیست. برایتان نسخه می‌نویسم. دارو را بخورید. سه روز کلاس نروید. استراحت کنید. خوب می‌شوید.
- مینو: خیلی متشکرم آقای دکتر. خدا حافظ.

● تمرین‌های ۱، ۲ و ۳ ← صفحه‌های ۱۲

من گفتگو 

"May God will not bring evil to you."  
said to a sick person as a sign of sympathy.

\* خدا بد ندهد ← [خدا بد نده] [خدا بد نده]

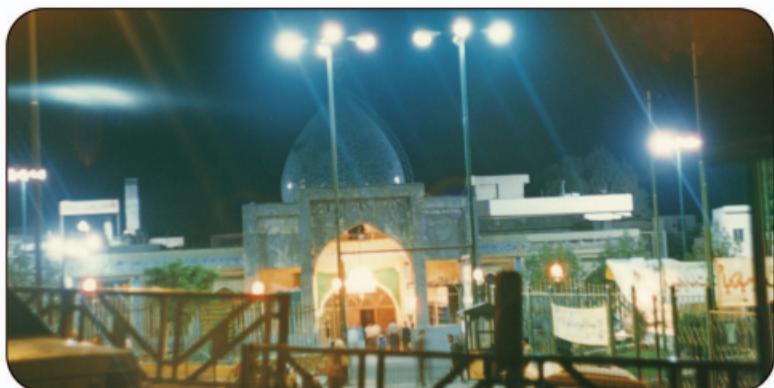
## درس ده

کعبه

فیلم صد

نماز جمعه

# امامزاده صالح



امامزاده صالح در تبریز

← کتاب کار (ضبط و مقایسه گنید) **وازگان**

wish ..... آرزو

imam ..... امام

offspring of an imam : پسر امام

without; -less ..... بی پیشوند

tasteless ..... بی مزه



امامزاده آبوجعفر

saltless	بی نمک	
to cook	پختن - پز	
sour	ترش	
even	حتّی /hattā/	امام‌زاده عبدالله /h/
to pray	دعا کردن	
pilgrimage	زيارة	
to go on pilgrimage; to visit	زيارة کردن	
sugar	شکر	امام‌زاده قاسم
side	طرف (جمع: أطراف suburbs)	
	عِدَّه : یک گروه از مردم	
to stay	ماندن - مان	
taste	مزه	امام‌زاده محمد محروم
vow	نذر	
to vow	نذر کردن	
to perform one's prayers	نماز خواندن	
salt	نمک	امام‌زاده هلال ابن علی

متن


در شهر تهران و آطراف آن، چند زیارتگاه وجود دارد.

زیارتگاه امام زاده صالح در میدان تجریش، شمال تهران، بسیار معروف است.

زیارتگاه جای زیارت، نذر، دعا و نماز است. بعضی از مردم برای رسیدن به آرزوی خود پول نذر می‌کنند. عده‌ای، به جای پول، آجیل و خرما و غذا به آنجامی برند. بعضی دیگر هم در خانه برای مردم غذایی پزند.

مردم اغلب در روزهای چهارشنبه و تعطیلات به امام زاده صالح می‌روند. آنها گاهی با خود ناھار یا شام می‌برند و حتی از صبح تا شب در آنجا می‌مانند.

بازار سنتی و دیدنی تجریش هم در میدان تجریش واقع است. برای خیلی از مردم، رفتن به امام زاده صالح هم زیارت است و هم گردش و خرید.

## ساختار ← کتاب کار

### ■ Present Progressive

### ■ حال جاری

حال جاری از حال ساده‌ی داشتن + حال اخباری ساخته می‌شود.

جای "داشتن" معمولاً بعد از فاعل است:

I am	+ دارم	+ می‌روم	—>	من
in the	+ داری	+ می‌روی	—>	تو
act of	+ دارد	+ می‌رود	—>	او
going	+ داریم	+ می‌رویم	—>	ما
...	+ دارید	+ می‌روید	—>	شما
	+ دارند	+ می‌روند	—>	آنها

● تمرین ۱. مصدرهای را به حال جاری بنویسید:

۱. پسرها بلند (حرف زدن)

۲. همه تو مدرسه (بازی کردن)

۳. این بیمار کم کم (خوب شدن)

۴. پدرم شما را (صدا کردن)

۵. ما با هم (نمایر خواندن)

۶. بچه غذا را روی زمین (ریختن)

## کدام یک هال جاری است؟

- (۶)      (۵)      (۴)      (۳)      (۲)      (۱)

The present progressive is used in the spoken form to describe an action in the process of being performed or a state in the process of undergoing a change.

■ **منفی** – ناشستن را برمی‌داریم و قبل از فعل، نه می‌گذاریم:  
نه + دارم می‌روم — نمی‌روم، نمی‌آید، زیارت نمی‌کند، ...

● تمرین ۲. به منفی هال جاری تبدیل کنید:

- ..... ۱. دخترها دارند غذا می‌پزند.
- ..... ۲. من دارم به امتحان فکر می‌کنم.
- ..... ۳. دکتر دارد بیمار را معاينه می‌کند.
- ..... ۴. منشی دارد تو را صدا می‌کند.
- ..... ۵. آنها دارند قرآن و نماز می‌خوانند.
- ..... ۶. دارید تو چایی شکر می‌ریزید؟

## کدام یک منفی هال جاری است؟

- (۶)      (۵)      (۴)      (۳)      (۲)      (۱)

**Genitive****اضافه**

The structure consists of an unstressed /e/ placed between a noun or other words, and the modifying elements which follow:

**لباسِ بیمار** : لباسی که مال بیمار است

**دردِ شدید** : دردی که شدید است

**مرکزِ تجارت**: مرکزی که مخصوص تجارت است

**مریم پارسا** : دختری که نامش مریم و نام خانوادگیش پارساست

**اضافه بعد از واکه**: پای من، گلوی تو، مزهی ترش، گوشی او

ساختار اضافه ممکن است شامل کلمات زیادی شود:

درهای رستورانِ بزرگِ دانشگاه

اسمِ کوچکِ پسرِ استادِ زبانِ فارسی دانشگاهِ ما

● **تمرین ۳. کلمات را به گروه اضافه تبدیل کنید:**

۱. نظر. دکتر

۲. بیمار. گلو

۳. فرش‌ها. تهران. شهر

۴. دانشگاه. بیمارستان. دکتر

۵. آسمان. شهر. شمال. تهران

۶. خوشمزه، دختر، من، غذاها

 کدام گروه اضفای صدیع است؟

- ۶      ۵      ۴      ۳      ۲      ۱

 **خود + Joined Pronoun**       **خود + ضمیر پیوسته**

خود is used with joined possessive pronouns for emphasis:

myself	خُودم	→	م	خود +
yourself	خُودت	→	ت	
himself	خُودش	→	ش	
ourselves	خُودمان	→	مان	
yourselves	خُودتان	→	تان	
themselves	خُودشان	→	شان	

It may also indicate possession or reflection:

He killed himself.      خودش را کشت.      my own book      کتاب خودم

● تمرین ۱۴. در جاهای خالی، "خود" و ضمیر پیوسته بگذرانید:

۱. او ..... نذر کرد غذا پیزد.

۲. ما ..... تو را معرفی کردیم.

۳. شما ..... به او اجازه دادید.  
 ۴. آنها ..... نخواستند بمانند.  
 ۵. استخر (ما) ..... بزرگ‌تر است.  
 ۶. معلم (من) ..... بهتر است.

کدام یک "فود" و فرمیر پیوسته دارد؟

- ۶      ۵      ۴      ۳      ۲      ۱

## جدول □

۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱

### افق

۱. کار نکردن و در خانه ماندن بیمار  
 برای خوب شدن. ۲. اسم. ۳. دانشجوها در  
 رستوران غذا را می‌گیرند و در آن  
 می‌گذارند. ۴. از ساعت پنج ... هفت  
 می‌شود دو ساعت  $\Delta$  اهل ... کشور  
 هستید؟ ۵. بعد از ۹۹۹ امازون ندارد. ۶.  
 پدران و مادران؛ پسران و ... ۷. همدان  
 اولین پایتخت ایران است  $\Delta$  نام

### عمودی

۱. مخالف تند. ۲. بعد از ده. ۳. وقتن  $\rightarrow$  رو؛ [توشن  $\leftarrow$  ...]  $\Delta$  مخالف اول. ۴. ... دو،  
 سه. ۵. این نه؛ ...  $\Delta$  دانشگاه زمین‌های بازی دارد = دانشگاه ...ی زمین‌های بازی است  
 ۶. اکنون  $\Delta$  نس در انگلیسی. ۷. دو حرف اول تمام  $\Delta$  وقتن  $\rightarrow$  روم؛ ماندن  $\leftarrow$  ...

## درک ← کتاب کار

تمرين ۱. "من" یا "خ" بگذاري و غلطها را تصحیح کنید:

۱. ( ) زیارتگاه امام زاده صالح در شمال شهر است.
۲. ( ) مردم برای بازی و استراحت به زیارتگاه می‌روند.
۳. ( ) بعضی از مردم فقط برای زیارت به آنجا می‌روند.
۴. ( ) گروهی از مردم پول نذر امام زاده می‌کنند.
۵. ( ) بعضی دیگر به جای پول غذا می‌دهند.
۶. ( ) خیلی از مردم چهارشنبه‌ها به زیارتگاه می‌روند.

## تمرين ۲. کدام چواب صحیح است؟

۱.  در کوههای شمال  در جنوب تهران
۲.  فاصله ندارد  دور است
۳.  زیارت و نذر  همه‌ی آنها
۴.  پول و غذا را  آجیل و خرما را
۵.  تعطیل و چهارشنبه  چهارشنبه و سه‌شنبه  سه‌شنبه و دوشنبه
۶.  بازار تهران  بازار تجریش

## تمرين ۳. کدام یک مزه‌ی غذاست؟

۶

۵

۴

۳

۲

۱

### نگارش ← کتاب کار

تمرين ۱. جواب سؤال‌های زیر را کامل بنویسید:

۱. زیارتگاه امامزاده صالح کجاست؟
۲. مردم برای چه به آنجا می‌روند؟
۳. در چه روزهایی بیشتر می‌روند؟
۴. مردم چه چیزهایی نذر می‌کنند؟
۵. بازار تجریش در کجا واقع است؟
۶. این بازار چگونه است؟

تمرين ۲. در باره‌ی یکی از زیارتگاه‌های کشورتان که می‌شناسید و به آنها رفته‌اید بنویسید. توضیح دهید که مردم کی به آنها می‌روند، در آنها چیزی که می‌گذرد و چه چیزهایی نظر می‌کنند.

تمرين ۳. کلماتی را که می‌شنوید بنویسید:

۳

۲

۱

۶

۵

۴

## ▪ خُطِّ فارسي

جا جواب خواب خوب خودون چون پنج خارج بج

**گفتار** ← كتاب کار (ضَبْط و مُقايسَه كُنيد) مهمان

**وازگان**

زیارتگاه	←	[زیارتگاه]	شکر	←	[شیکر]
ماندن	←	[موندن - مون]			
آنداختن	←	[آنداختن، می‌ندازم، بِنْدَاز، بِنْدَازِین]			

Joined personal pronouns preceded by **خود** change, except for the first person singular:

خُودِمان	←	[خُودِمون]	خُودِم	←	[خُودَم]
خُودِتان	←	[خُودِتون]	خُودَت	←	[خُودَت]
خُودِشان	←	[خُودِشون]	خُودَش	←	[خُودَش]

در گفتار، معمولاً از **خود** + ضمير استفاده می‌کنیم، نه از شکل جدا: او كتاب را با خود برد. (رسمی) ← [اون کتابو با خودش برد.]

## ❷ شکل رسمی

- در کشور شما چه زیارتگاه‌هایی هست؟
- می‌توانید معروف‌ترین زیارتگاه کشورتان را معرفی کنید؟
- در آنجا مردم چه چیزهایی نذر می‌کنند؟
- کی به آنجا می‌روند؟ چکار می‌کنند؟ کجا غذا می‌خورند؟
- اگر زیاد بمانند کجا می‌نشینند؟ روی زمین فرش می‌اندازند؟
- شما به زیارتگاه می‌روید یا نه؟ اگر دوست ندارید جواب بدھید، اشکال ندارد. جواب ندهید.
- ممکن است بگویید در خانه‌ی شما که غذا می‌پزد و که می‌خورد؟
- چه مزه‌ای بهتر است؟ ترش، شیرین، تلخ، سور، بی‌نمک؟ ...
- حالا بفرمایید آقای ... دارد چکار می‌کند؟\*

● تمرين‌های ۱، ۲ و ۳ ← صفحه‌ی ۱۲

## ❸ گفتگو

\* این سؤال برای تمرين حال جاري طرح شده است. قبل از سؤال، استاد باید از آقای ... بخواهد که کارهایی را انجام دهد تا انشجوبیان آن کارها را به زمان حال جاري بیان کنند.

## درس یازده

قَلْهَةٌ تُوجَالٌ



# قَلْهَةٌ تُوجَالٌ



خانم‌های ایرانی بر قَلْهَةٌ تُوجَالٌ اورست

← کتاب کار (ضَبْط و مُقَايِسَه گَنِيد)

وازگان



to stand ..... ایستادن – ایست

ایستگاه /h/ : جای پیاده شدن و سوار شدن

to rain ..... بارییدن – بار

rest, remainder ..... بقیه

towards ..... به طَرَفِ /ta'rafe/

اسکی



walking

پیاده‌روی



which (of a certain number)

چندم

second (2nd)

دوم

بر قله‌ی توموری

convenient

راحت

to walk

راه رفتن



to cause to reach

رساندن - رسان

light

سبک

تلہ کابین

heavy

سنگین



third

سوم

excellent

عالی

thought

فکر

کوهنوردی

to think

فکر کردن



everything

هَرچیز / harčiz /

nothing

هیچ چیز / hīččiz /

either ... or ...

یا ... (و) یا ...

در کوههای تهران

## مَتن



پیاده‌روی و کوهنوردی در شمال شهر تهران از ورزش‌های جالب و عمومی به شمار می‌رود.

قله‌ی تُوچال، که ۳۹۳۳ متر ارتفاع دارد، نزدیک‌ترین قله به داخل شهر است. در روزهای تعطیل، مخصوصاً در فصل تابستان، زن و مرد، پیر و جوان، یا پیاده به طرف قله می‌روند یا سوار تله‌کابین می‌شوند. در فصل زمستان، موقعی که برف کافی روی زمین می‌نشیند، مردم برای اسکی به ایستگاه هفت‌تم می‌روند. تله‌کابین تُوچال دارای هشت ایستگاه است.

جمعیت گذشته، دانیل و میخال به ایستگاه هشتم رفته‌اند. در رستوران هتل، مردم ناهار می‌خوردند و از هوای تمیز و خنک بالای کوه لذت می‌برند. آنها می‌توانستند از آنجا شهر تهران را تماشا کنند.

## ساختار ← کتاب کار

### ■ Past Continuous

### ■ گذشته‌ی استمراری

گذشته‌ی استمراری از "می" + گذشته‌ی ساده + شناسه‌های گذشته

ساخته می‌شود:

I was going;	می رفتم	— م	}
I used to go;	می رفتی	— ی	
I went	می رفت	— ۰	
...	می رفتم	— یم	
	می رفتید	— ید	
	می رفتند	— ند	

می + رفت +

### ● تمرین ۱. به گذشته‌ی استمراری تبدیل کنید:

۱. من همیشه به بچه‌ها ..... (فکر کردن)
۲. معمولاً شب‌ها باران ..... (آمدن)
۳. در کوه برف سنگینی ..... (باریدن)
۴. آنها نزدیک قله ..... (ایستادن)
۵. شما با بچه‌ها ..... (راه رفتن)
۶. او عکس‌ها را با هم ..... (مقایسه کردن)

## کدام یک گذشته‌ی استمراری است؟

- (۶)      (۵)      (۴)      (۳)      (۲)      (۱)

The past continuous is used to describe an action as being still in progress in the past:

موقعی که آمد من نماز می‌خواندم.

It also describes a habitual or repeated action in the past:

هر روز به پارک می‌رفتم.

### ● تمرین ۲. به گذشته‌ی استمراری تبدیل کنید:

۱. من هر روز به گل‌ها آب ..... (دادن)
۲. دخترها راحت با هم ..... (حرف زدن)
۳. بقیه‌ی بیمارها در بیمارستان ..... (ماندن)
۴. حتی پیرها خودشان را به اتوبوس ..... (رساندن)
۵. دانشجوها سوال‌های زیادی ..... (پرسیدن)
۶. او روزی یک ساعت در ایستگاه ..... (ایستادن)

## کدام یک گذشته‌ی استمراری است؟

- (۶)      (۵)      (۴)      (۳)      (۲)      (۱)

■ متفقی - ز + فعل مثبت: نمی‌رفتم، فکر نمی‌کردم، کار نمی‌کرد، ...

● تمرین ۳. به متفقی گذشته‌ی استمراری تبدیل کنید:

۱. من هیچ‌چیز برای خودم ..... (خواستن)
۲. دکتر هر روز بیماران را ..... (معاینه کردن)
۳. شما هرگز غذا را ..... (فراموش کردن)
۴. او در مدرسه چیزی ..... (یاد گرفتن)
۵. پسرها کت و دامن ..... (پوشیدن)
۶. ما شب‌ها در پارک ..... (راه رفتن)

کدام یک متفقی گذشته‌ی استمراری است؟

- ۶      ۵      ۴      ۳      ۲      ۱

### ■ Ordinal Number

### ■ عدد ترتیبی

عدد اصلی + <sup>م</sup> = عدد ترتیبی:

fifth	پنجم	←	<sup>م</sup>	+	پنج
	بیست و هفتم	←	<sup>م</sup>	+	بیست و هفت
	چهل و نهم	←	<sup>م</sup>	+	چهل و نه
	نود و پنجم	←	<sup>م</sup>	+	نود و پنج
	سیصد و هشتاد و یک	←	<sup>م</sup>	+	سیصد و هشتاد و یک

عدد ترتیبی بعد از اسم می‌آید و اسم کسره‌ی اضافه می‌گیرد: درس اول، تمرین دوم، ایستگاه سوم، نفر دوازدهم، روز بیست و یکم

■ **یکم، اول - یکم** فارسی است و **اول عربی**. **یکم** کمی رسمی‌تر است. **دوم و سوم** فارسی هستند اما معمولاً تشدید می‌گیرند. در عدد مرگب از **یکم** استفاده می‌کنیم، نه از **اول**: بیست و یکم

● تمرین ۱۳. عده‌ها را به شکل ترتیبی با هر ف بنویسید:

(۵) ..... (۱). ۱

(۱۰) ..... (۲). ۲

(۱۴) ..... (۴). ۳

(۲۰) ..... (۱۶). ۴

(۵۵) ..... (۲۷). ۵

کدام گروه عدد ترتیبی دارد؟

⑥ ⑤ ④ ③ ② ①

● تمرین ۱۴. جمله‌ها را با عدد ترتیبی بنویسید:

عکس سوم قشنگ‌تر است.

(۳)

۱. سؤال خیلی سخت است.

(۴)

۲. همه در ایستگاه می‌مانیم. (۷)
۳. هر چیز خواستی از روز بخور. (۵)
۴. "ج" حرف الفبای فارسی است. (۶)
۵. صفحه‌ی اشتباه زیاد دارد. (۲)
۶. هندوانه‌ی خیلی سبک است. (۱)

کدام جمله عدد ترتیبی دارد؟

- ۶      ۵      ۴      ۳      ۲      ۱

**ضرب اش** هم حندا را می‌خواهد، هم خرما را.

← کتاب کار **درک**

تمرين ۱. "من" یا "غ" بگذارید و غلطها را تصحیح کنید:

۱. ( ) مردم می‌توانند با تله‌کابین به توچال بروند.
۲. ( ) تله‌کابین توچال هفت ایستگاه دارد.
۳. ( ) مردم یا پیاده به قله می‌روند یا با تله‌کابین.
۴. ( ) مردم برای اسکی به ایستگاه آخر می‌روند.

۵. ( ) یکشنبه‌ی گذشته دانیل به ایستگاه هشتم رفت.  
 ۶. ( ) بعضی مردم از هوای تمیز و خنک لذت می‌بردند.

**تمرین ۲. کدام جواب صحیح است؟**

۱.  کوه‌نوردی  بسکتبال  والیبال  
 ۲.  حدود ۵۰۰۰ متر  حدود ۴۰۰۰ متر  حدود ۶۰۰۰ متر  
 ۳.  جوان‌ها  پیرها  پیر و جوان  
 ۴.  خیابان‌های جنوب شهر  توجال در شمال شهر  جاهای خیلی گرم  
 ۵.  میخال  دانیل  هر دو نفر  
 ۶.  میدان تجریش را  خیابان کارگر را  شهر تهران را

**تمرین ۳. کدام یک نام ورزش است؟**

- (۶)      (۵)      (۴)      (۳)      (۲)      (۱)

**نگارش** ← کتاب کار

تمرین ۱. جواب سوال‌های زیر را کامل بنویسید:

۱. ارتفاع قله‌ی توجال چقدر است?  
 ۲. مردم چطور به قله می‌روند?  
 ۳. ایستگاه چندم برای اسکی است?  
 ۴. دانیل و میخال جمعه کجا رفتند؟

۵. در رستوران مردم چکار می‌کردند؟

۶. در بالای کوه هوا چطور بود؟

تمرين ۲. بنويسيد بوترین جايي که در شهر شما برای کوهنوردی و اسکی وجود دارد کجاست. مردم چگونه به آنها می‌روند؟ چه هیزهای دیدنی دارد؟ شما کی به آنها رفته‌ايد و چکار کرده‌ايد؟

تمرين ۳. کلماتي را که می‌شنويد بنويسيد:

.۳ ..... .۲ ..... .۱ .....  
.....

.۶ ..... .۵ ..... .۴ .....  
.....

## خط فارسي

آشنا شما سر من سبز در شش شور ترش

← کتاب کار (ضبط و مقایسه کنید) سُرود "وطنم"   
گفتار و اژگان

ایستادن ← [وایستادن، وایست، واي می‌ستم، وايستا، وايستین]

باران ← [بارون] تایستان ← [تاپستون]

جوان	→ [جوان]	رساندن	→ [رسوندَن، رسون]
هَرچیز	→ [هَرچی]	هیچ چیز	→ [هیچّی]
[اشتباه، ایستگاه، بقیه، سخت، فکر]			

 Joined possessive pronouns after vowels are pronounced as:

عَمِهَام	→ [عَمِهَم، عَمِهَت، عَمِهَش، عَمِهَمون، عَمِهَتون، عَمِهَشون]
عَموَیم	→ [عَموم، عَموت، عَموش، عَمومون، عَموتون، عَموشون]
پایِم	→ [پام، پات، پاش، پامون، پاتون، پاشون]
دایِم	→ [داییم، داییت، داییش، داییمون، داییتون، ...]

 The final consonant of some consonantal groups are dropped or at least weakened in speech:

[تونست، درَخت، دَست، دونِست، شِناخت]

as well as final /h/

[آرامگاه، دانشگاه]

These consonants are often pronounced fully before vowels:

[تونستَم، درَختَی، دَسْتَش، دونِستِم، شِناختَی، آرامگاھَش، دانشگاھَم]

 Some question words may take plural suffix only in speech:

[چراها، چی‌ها، کجاها، کدوم‌ها، کی‌ها، کی‌ها]

## ۶۰ شکل رسمی

- در شهر شما هوا چطور است؟ گرم، سرد، خنک، تمیز، کثیف ...؟
- نام بلندترین قله در کشور تان چیست؟ چقدر ارتفاع دارد؟
- برای پیاده روی یا کوهنوردی کجا می روید؟
- معمولاً کی به آنجا می روید؟ با چه می روید؟ با که می روید؟
- آنجا تله کابین دارد یا ندارد؟ اگر دارد چطور است؟
- برای تله کابین باید پول بدهید؟ چقدر باید بدهید؟
- رستوران یا هتل هم دارد؟ می توانید کمی توضیح بدهید؟
- هوای آنجا در تابستان و زمستان چطور است؟
- برف و باران می آید؟ چقدر می آید؟ بیشتر کی می آید؟
- برای اسکی هم به آنجا می روید یا به جای دیگری می روید؟

● تمرین های ۱، ۲ و ۳ ← صفحه های ۱۲

## ۶۱ گفتگو

## ۱۲ درس دوازده

مهماں

# استادان زبان و ادبیات فارسی در تهران



مجمع پین‌الملکی استادان زبان و ادبیات فارسی

← کتاب کار (ضبط و مقایسه کنید)

وازگان

آوردن – آور ≠ بردن

آینده ≠ گذشته

stay, residence ..... اقامت

to stay, to reside ..... اقامت کردن

just now ..... آن /al?an/ آنکسی خیسماتولین، روسیه



time, occasion; luggage بار



to return برگشتن - برگرد /bargard/

almost تقریباً /taqrī'ban/

چشم : با آن می بینیم  
ادموند هرزیگ، انگلستان

certainly حتماً /hat'man/



lavatory دستشویی

to be invited دعوت شدن



to drive راندن - ران

driver راننده (جمع : رانندگان، راننده‌ها)

participation شرکت

to participate شرکت کردن

to wash عبدالودود آظهر دهلوی، هند شستن - شو



love عشق



attachment, interest علاقه

to discuss گفتگو کردن

tulip فرانکلین لوئیس، آمریکا لاله

## متن



بسیاری از استادان زبان و آدیبیات فارسی، در دانشگاه تهران یا دانشگاه‌های دیگر ایران، تحصیل کرده‌اند و عده‌ای هم در کشورهای دیگر درس خوانده‌اند. آنها با عشق و علاقه‌ی زیادی کار می‌کنند و به دانشجویان این رشته درس می‌دهند.

استادان خارجی، معمولاً هر دو سال یک بار، به ایران دعوت می‌شوند تا در "مجمع بین‌المللی استادان زبان و ادبیات فارسی" شرکت کنند و با استادان ایرانی درباره‌ی آموزش این رشته در کشورهای مختلف گفتگو کنند.

استادان خارجی ماه آینده برای شرکت در مجمع به تهران خواهند آمد. آنها میهمان کشور ایران خواهند بود و با میهمانان ایرانی در هتل پنج ستاره‌ی لاله اقامت خواهند کرد.

## ساختار ← کتاب کار

### ■ Short Infinitive

### ■ مصدر کوتاه

مصدر کوتاه شکل ستاک گذشته را دارد و در فعل آینده به معنی مصدر است:

خواندن، رفتن، گفتن ← خواند، رفت، گفت

### ■ Future

### ■ آینده

زمان آینده از حال ساده‌ی «خواستن» + مصدر کوتاه ساخته می‌شود:

I shall go	خواهم رفت	+ رفت	خواهم
You will go	خواهی رفت		خواهی
He will go	خواهد رفت		خواهد
We shall go	خواهیم رفت		خواهیم
You will go	خواهید رفت		خواهید
They will go	خواهند رفت		خواهند

● تمرین ۱. مصدرها را به زمان آینده بنویسید:

۱. ما شمارا در آینده به کشورمان ..... (دعوت کردن)
۲. شما با هواپیمای ایرانی به تهران ..... (آمدن)
۳. راننده شما را از فرودگاه به هتل ..... (آوردن)

۴. پیشخدمت هتل اتاقتان را ..... (نشان دادن)
۵. در این اتاق بسیار راحت ..... (بودن)
۶. موقع رفتن، گذرنامه و بلیت را از پذیرش ..... (گرفتن)

**کدام یک به زمان آینده است؟** 

- ۶      ۵      ۴      ۳      ۲      ۱

The future tense is used in the formal language. It is expressed by the present indicative in the normal style:

ما شما را دعوت خواهیم کرد. ← ما شما را دعوت می‌کنیم.  
آنها کمی تمرین خواهند کرد. ← آنها کمی تمرین می‌کنند.

● تمرین ۲. جمله‌ها را به آینده بنویسید:

۱. من او را به ناهار دعوت می‌کنم.
۲. ما مهمان دانشگاه تهران هستیم.
۳. بچه‌ها این شعر را می‌خوانند.
۴. استاد انشای ما را تصحیح می‌کند.
۵. آنها برای زیارتگاه غذا می‌پزند.
۶. راننده با ایشان صحبت می‌کند.

فعل کدام جمله به زمان آینده است؟

- ۶      ۵      ۴      ۳      ۲      ۱

■ متفقی: نخواهم رفت، گفتگو نخواهیم کرد، دعوت نخواهد شد

● تمرین ۳. مصدرها را به منفی آینده بنویسید:

۱. او از بازار اینجا تلویزیون ..... (خریدن)
۲. من پول را به بچه ..... (دادن)
۳. ایشان در این دانشکده ..... (درس دادن)
۴. او معنی این جمله را ..... (فهمیدن)
۵. ما تا دو ساعت دیگر ..... (رسیدن)
۶. شما این هفته به کارتان ..... ؟ (ادامه دادن)

کدام یک منفی آینده است؟

- ۶      ۵      ۴      ۳      ۲      ۱

■ Combination of Sentences

■ ترکیب جمله‌ها

Sentences including the same subject and verb may be combined with the conjunction و ; the repeated words of the second

sentence are usually omitted in the combined sentence:

میخال سوپ زیاد می خورد. میخال سالاد زیاد می خورد.  
←  
میخال سوپ و سالاد زیاد می خورد.

● تمرین ۱۲. جمله های زیر را ترکیب کنید:

۱. تهران پایتخت ایران است. تهران بزرگ‌ترین شهر کشور است.
۲. امروز دوشنبه نیست. امروز اوّلین روز درس نیست.
۳. اتاق ما دستشویی دارد. اتاق ما حمام دارد.
۴. شما دیروز یک اتومبیل خریدید. شما دیروز یک خانه خریدید.
۵. دانشجوها بسکتبال بازی کردند. دانشجوها والیبال بازی کردند.
۶. من درس امروز را فهمیده‌ام. من درس دیروز را فهمیده‌ام.

کدام یک ممکن است ترکیب دو جمله باشد؟

- (۶)      (۵)      (۴)      (۳)      (۲)      (۱)

□ Object Marker

□ "را" ، نشانه‌ی مفعول

Any definite object must precede the marker : را :

میخال دوستش را در خیابان دید.  
دوست میخال او را به رستوران دعوت کرد.

## جدول (با عدد بنویسید) □

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷

۱						
۲						
۳						
۴						
۵						
۶						
۷						

## اُفق

۱. صد  $\times$  سه + سه  $\diamond$  سیصد و سه  $\times$  سه
۲. هشتصد و بیست و هشت - چهارصد
۳. دو میلیون و سیصد و پنجاه و شش هزار و هفتصد و هشتاد و یک
۴. بیست و سه  $\times$  دو  $\diamond$  هفتاد - شش
۵. هفت میلیون و چهارصد و هفتاد و یک هزار و پانصد و بیست و نه
۶. هشت، دو، چهار
۷. چهارصد و ده - یک  $\diamond$  سیصد + پنج

## عمودی

۱. صد و پنجاه و یک  $\times$  دو  $\diamond$  هزار و چهارصد و هشت  $\div$  دو
۲. سیصد و چهل + چهار
۳. سه میلیون و چهارصد و پنجاه و شش هزار و هفتصد و هشتاد و نه
۴. پنجاه و دو  $\div$  دو  $\diamond$
۵. چهار  $\times$  سه
۶. نه میلیون و هشتصد و هفتاد و شش هزار و پانصد و چهل و سه
۷. هشت
۸. نه  $\times$  صد + یک  $\diamond$  نهصد و یک + چهار

## ● تمرین ۵. جمله‌هایی را که در آنها "را" لازم است بنویسید:

۱. ما برنامه‌های شب تماشا می‌کنیم.
۲. او هنوز کارش تمام نکرده است.
۳. توهمیشه معلم خوبی بوده‌ای.
۴. هنوز هیچ‌کس تکلیفش نداده است.

۵. بچه‌ها اجازه ندارند بروند.

۶. ما تهران با سئول مقایسه می‌کنیم.

 کدام جمله صحیح است؟

- ۶      ۵      ۴      ۳      ۲      ۱

 درک

تمرين ۱. "من" یا "خ" بگذارید و غلطها را تصحیح کنید:

۱. ( ) همه‌ی استادان زبان فارسی در ایران تحصیل کردند.
۲. ( ) استادان با عشق و علاقه درس می‌دهند.
۳. ( ) مجمع استادان هر سال تشکیل می‌شود.
۴. ( ) ماه آینده هم مجمع استادان تشکیل خواهد شد.
۵. ( ) فقط میهمانان خارجی در هتل لاله اقامت خواهند کرد.
۶. ( ) هتل لاله یک هتل چهارستاره است.

 تمرين ۲. کدام جواب صحیح است؟

- |  |   |
|--|---|
| ۱. <input type="checkbox"/> همه‌ی آنها     | <input type="checkbox"/> بسیاری از آنها   |
| ۲. <input type="checkbox"/> هر سال یک بار  | <input type="checkbox"/> هر دو سال یک بار |
| ۳. <input type="checkbox"/> در باره‌ی زبان | <input type="checkbox"/> در باره‌ی ادبیات |
| ۴. <input type="checkbox"/> دو سال دیگر    | <input type="checkbox"/> دو ماه دیگر      |

۵.  مهمان استاد ایرانی  مهمان خودشان  مهمان کشور ایران

۶.  در هتل ستاره  در هتل لاله  در هتل مجمع

تمرين ۱۳. کدام کلمه به هتل مربوط است؟

۶

۵

۴

۳

۲

۱

### نگارش ← کتاب کار

تمرين ۱. جواب سؤال‌های زیر را کامل بنویسید:

۱. کدام استاد روسی است؟

۲. کدام استاد در هند درس می‌دهد؟

۳. کدام استاد اهل انگلستان است؟

۴. نام استاد آمریکایی چیست؟

۵. آنها کی به ایران خواهند آمد؟

۶. به کدام هتل خواهند رفت؟

تمرين ۲. نظر خود را در باره‌ی کتاب درسی و کلاس حاضر بنویسید و،  
اگر دوست دارید، در باره‌ی این کتاب و آموزش زبان فارسی با مؤلف  
به نشانی زیر تماس بگیرید:

**تمرين ۳.** کلماتي را که می‌شنويد بنويسيد:

- |    |       |       |
|----|-------|-------|
| ۱. | .۲    | ..... |
| ۴. | .۵    | ..... |
| .۳ | ..... | ..... |
| .۶ | ..... | ..... |

### **حکظ فارسي:**

فارسي فدا قوه قبل قاف آن قاشق برف

**ڪفتار** ← كتاب کار (ضبط و مقایسه کنید) فيلم صد **وازنگان**

الآن	← [الآن]	تصحيح
بليط / بليط	← [بليط / بيليط]	حمام
دَسْتِشُوبِي	← [دَسْتِشُوبِي]	راندن
شُسْتَن	← [شُسْتَن، شور، میشورم، پشور، پشورین]	

Final ام /am/ often changes to وم /um/ in speech:

تمام	← [تموم]	حمام
كُدام	← [كُدوم]	

## ۶۰ شکل رسمی

- الو، هتل لاله؟ ▶ بله، آقا، اینجا هتل لاله است. بفرمایید.
- من دکتر احمدی هستم. آقای دکتر جاکا تشریف دارند؟
- نخیر آقا. ایشان الان تشریف ندارند. شب تشریف می‌آورند.
- می‌دانید کجا رفته‌اند؟ ▶ ایشان به مجمع تشریف برده‌اند.
- برای ناهار به هتل بر می‌گردند یا به جای دیگری می‌روند؟
- امروز همه‌ی استادان مهمان دانشگاه تهرانند. به هتل نمی‌آیند.
- شب چطور؟ شب برای شام می‌آیند؟
- نخیر آقا. امشب مهمان دانشگاه آزادند. دیر می‌آیند.
- لطفاً سلام برسانید و این شماره‌ی تلفن را به ایشان بدھید.
- ▶ چشم<sup>\*</sup>، حتماً این کار را می‌کنم.

● تمرین‌های ۱، ۲ و ۳ ← صفحه‌ی ۱۲

## ۶۱ گفتگو

\* چشم, the literary pronunciation of چشم also indicates obedience: all right, with pleasure.

## درس سیزده

مرقد حضرت عبدالعظیم

### شهر ری



شهر ری، حضرت عبدالعظیم

← کتاب کار (ضبط و مقایسه کنید) **وازگان** \*

respect ..... احترام

value ..... ارزش

the great ..... بُزرگان

excellent ..... /bahbah/ بهبه

honourable, respectable (as a title) ..... حضرت



حضرت عبدالعظیم

tired ..... خسته

in fact ..... در واقع

right ..... راست

to hear ..... شنیدن - شنو

forgotten ..... فراموش

to forget ..... فراموش کردن

before ..... /qab'lan/ قبلًا

قبول کردن : پذیرفتن

قرن : صد سال

help ..... کمک

to help ..... کمک کردن

look ..... نگاه /h/

to look ..... نگاه کردن

whenever ..... هر وقت

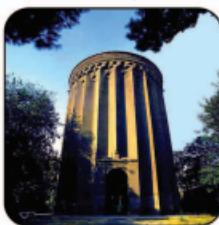
هیچ وقت : هرگز



امام زاده حمزه



امام زاده طاهر



برج تاریخی ری



موزهی حضرت عبدالعظیم یکی یکی : با هم نه؛ در هر نوبت یکی

## متن



شهر تاریخی ری، در جنوب تهران، یکی از شهرهای مهم و بزرگ ایران در دوره‌های گذشته بوده است. ری امروز تا مرکز تهران بیشتر از ده کیلومتر فاصله ندارد و در واقع شهری در داخل شهر تهران است.

زیارتگاه حضرت عبدالعظیم، امامزاده حمزه و امامزاده طاهر، همچنین آرامگاه سیاری از بُزرگان و دانشمندان ایرانی، که در شهر ری قرار دارد، ارزش و احترام زیادی به این شهر بخشیده است.

یکی از دانشمندان ری مُحمد زَکریای رازی است. او از معروف‌ترین پزشکان جهان در یازده قرن قبل می‌باشد و کتاب‌های زیادی در پزشکی و چند رشته‌ی دیگر نوشته است. دانشگاه‌های بزرگ جهان قرن‌ها از کتاب‌های او استفاده می‌کردند.

\* رازی کافش الکل است. تأییفات او را ۱۹۸ و به روایتی ۲۲۷ می‌دانند. معروف‌ترین اثرش در پزشکی حاوی است.

ساختا کتاب

## ■ Past Progressive

گذشته‌ی جاری

گذشته‌ی جاری از گذشته‌ی ساده‌ی "داشت" + گذشته‌ی یستماراتی ساخته می‌شود. جای "داشت" عموماً بعد از فاعل است:

I was	من + داشتم + می رفتم	→ من داشتم می رفتم
in the	تو + داشتی + می رفتی	→ تو داشتی می رفتی
act of	او + داشت + می رفت	→ او داشت می رفت
going	ما + داشتیم + می رفتیم	→ ما داشتیم می رفتیم
...	شما + داشتید + می رفتید	→ شما داشتید می رفتید
	آنها + داشتند + می رفتند	→ آنها داشتند می رفتند

#### • تمرین ۱. جمله‌ها را به گزشته‌ی چاری بنویسید:

- ### ۱. ما به راننده (کمک کردن)

- ## ۲. من به عکس‌ها (نگاه کردن)

- ### ۳. باران تندی (باریدن)

- #### ۴. پسرها یکی یکی (برگشتن)

- #### ۵. مادر مریم کم کم (خسته شدن)

- #### ۶. من و مهیار جدول (حل کردن)

## ۶۰ کدام یک گذشته‌ی جاری است؟

- (۶)      (۵)      (۴)      (۳)      (۲)      (۱)

The past progressive, which is mainly used in spoken Persian, indicates an action as being still in progress in the past:

او داشت به من درس می‌داد.

ما داشتیم توی سالن ورزش می‌کردیم.

همه داشتند با هم تمرین می‌کردند.

■ **متقاضی** — «داشتمن» را برمی‌داریم و قبل از فعل، نه می‌گذاریم:

نه + داشتم می‌رفتم —> نمی‌رفتم، کمک نمی‌کردند، ...

● **تمرین ۲.** جمله‌ها را به منفی گذشته‌ی جاری بنویسید:

۱. ما داشتیم تو را فراموش می‌کردیم.

۲. پژوهش داشت مرا معاینه می‌کرد.

۳. من داشتم لباس می‌پوشیدم.

۴. تو داشتی با من حرف می‌زدی.

۵. همه داشتند جدول حل می‌کردند.

۶. او داشت نظر شما را قبول می‌کرد.

کدام یک منفی گذشته‌ی جاری است؟

- ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

نرب اش دختر مال خودمان است، پسر مال دیگران.

Apposition

بدل

۱. باباطاهر شاعر معروفی است. ۲. باباطاهر اهل همدان است.  
 ۳. باباطاهر، شاعر معروف، اهل همدان است.  
 "شاعر معروف" در جمله‌ی سوم، جانشین و بدل "باباطاهر" است.  
 این جمله ترکیبی است از جمله‌های اول و دوم.

● تمرین ۱۳. جمله‌ها را با استفاده از بدل ترکیب کنید:

۱. ابن سينا دانشمند بزرگی است. او اهل ایران است.  
 ۲. آقای امامی پدر من است. او کتابفروشی بزرگی دارد.  
 ۳. آقای امینی پیشخدمت هتل است. او بار شما را می‌آورد.  
 ۴. آقای جوادی راننده است. او شما را به فرودگاه می‌برد.  
 ۵. مهسا دختر دکتر نامدار است. مهسا ده سال دارد.  
 ۶. مهیار برادر مهساست. مهیار هفت سال دارد.

**کدام جمله دارای بدل است؟**

- ۶      ۵      ۴      ۳      ۲      ۱

■ **Question Words**

■ **کلمات سؤالی**

Question words occur at the beginning or in the middle of the sentence and bear the sentence stress:

Which sport do you ...      کدام ورزش را بیشتر دوست داری؟

What did you do ...      دیروز بعد از ظهر چکار کردی؟

● تمرین ۱۴. برای کلماتی که زیر آنها فقط کشیده شده سؤال بنویسید:

- ..... ۱. جوان‌ها صبح به قله رفتند.
- ..... ۲. جوان‌ها صبح به قله رفتند.
- ..... ۳. جوان‌ها صبح به قله رفتند.
- ..... ۴. مادر بعچه را به اتاق برد.
- ..... ۵. مادر بعچه را به اتاق برد.
- ..... ۶. مادر بعچه را به اتاق برد.

**کدام سؤال یک جواب مربوط و درست دارد؟**

- ۶      ۵      ۴      ۳      ۲      ۱

**Preposition****حرفِ اضافه**

Persian prepositions precede the word or phrase they govern:

مریم بعد از کلاس به خانه رفت.

حرف اضافه در فارسی شامل دو گروه زیر است:

**حرفِ اضافه‌ی ساده**: از، با، به، در، تا، روی، زیر، برای

**حرفِ اضافه‌ی مُرکب**: بعد از، قبل از، در وسطِ، به طرفِ

● تمرین ۵. در جاهای فالی هر ف اضافه بگذارید. از هر هر ف اضافه

فقط یک بار استفاده کنید:

۱. به به! چه برف سنگینی ..... زمین نشسته است.

۲. مردها فرشی ..... درخت انداختند.

۳. البته هر وقت بخواهد ..... خودشان خرید می‌کنند.

۴. راستی! چند تا بچه هم ..... ما کوه آمدند.

۵. هیچ وقت ..... شب ..... صبح ..... حرم نمانده‌ایم.

۶. قبلاً ..... سالان میز بزرگی بود.

کدام جمله دارای هر ف اضافه است؟

۶

۵

۴

۳

۲

۱

## درک ← کتاب کار

تمرين ۱. "ص" یا "غ" بگذاري و غلطها را تصحيح کنيد:

۱. ( ) شهر ری اکنون مانند تهران بزرگ و مهم است.
۲. ( ) ری به مرکز شهر تهران نزدیک است.
۳. ( ) در شهر ری سه حرم معروف وجود دارد.
۴. ( ) فاصله‌ی شهر ری تا مرکز تهران سی کیلومتر است.
۵. ( ) رازی در خارج از ایران خیلی معروف نبوده است.
۶. ( ) رازی کتاب‌های زیادی در رشته‌ی پزشکی نوشته است.

تمرين ۲. کدام جواب صحیح است؟

- |  |   |  |
|--|---|--|
| ۱. <input type="checkbox"/> در جنوب تهران  | ۱. <input type="checkbox"/> در شمال تهران | ۱. <input type="checkbox"/> در مرکز تهران      |
| ۲. <input type="checkbox"/> دانشمند        | ۲. <input type="checkbox"/> پزشک          | ۲. <input type="checkbox"/> اهل ری             |
| ۳. <input type="checkbox"/> ۳۰ کیلومتر     | ۳. <input type="checkbox"/> ۲۰ کیلومتر    | ۳. <input type="checkbox"/> ۱۰ کیلومتر         |
| ۴. <input type="checkbox"/> هر دو          | ۴. <input type="checkbox"/> امامزاده صالح | ۴. <input type="checkbox"/> امامزاده عبدالعظیم |
| ۵. <input type="checkbox"/> منشی           | ۵. <input type="checkbox"/> شاعر          | ۵. <input type="checkbox"/> پزشک               |
| ۶. <input type="checkbox"/> دوازده قرن قبل | ۶. <input type="checkbox"/> یازده قرن قبل | ۶. <input type="checkbox"/> ده قرن قبل         |

تمرين ۳. مردم با کدام یک رفت و آمد می‌کنند؟

۶

۵

۴

۳

۲

۱

### نگارش ← کتاب کار

تمرين ۱. جواب سؤال‌های زیر را کامل بنویسید:

۱. شهر ری کی شهر بزرگی بود؟

۲. تا مرکز تهران چقدر فاصله دارد؟

۳. شهر ری زیارتگاه کیست؟

۴. کدام دانشمند اهل شهر ری است؟

۵. او در کدام رشته استاد بود؟

۶. چند قرن قبل زندگی می‌کرد؟

تمرين ۲. کدام یک از شهرهای تاریخی و فرهنگی کشورتان را بیشتر دوست دارید؟ این شهر کجاست؟ چرا معروف است؟ کی به آنها رفته‌اید و چهارکرده‌اید؟ بنویسید.

تمرين ۳. کلماتی را که می‌شنوید بنویسید:

۳

۲

۱

۶

۵

۴

▪ **خط فارسی:**

کار کتاب بجا کم کرده کدام گلوب یک بزرگ

← کتاب کار (ضَبْط و مُقَايِسَه کُنید) فیلم صد

**گفتار****واژگان**

راست ← [راست]

شِنیدَن ← [شِنیدَن، می شُنَوَم، بِشُنُو، بِشُنَوِین]

هَرَوَقَت ← [هَرَوَخَت]

هیچ وقت ← [هیچ وَخت]

آنچا رفتم تا کمک کنم. ← [اونجا رفتم کمک کنم.]



در معنی زیر، معمولاً از حرف ربط تا استفاده نمی‌کنیم:  
آنچا رفتم تا کمک کنم. ← [اونجا رفتم کمک کنم.]



از حرف اضافه‌های به و در در این جمله‌ها استفاده نمی‌کنیم:  
به اینجا آمدم. ← [اینجا اوامدم.]



به آنجا رفتم. ← [اونجا رفتم.]



در آنجا نشستم. ← [اونجا نشستم.]



در کجا زندگی می‌کنید؟ ← [کجا زندگی می‌کنید؟]

## ❷ شکل رسمی

- شما در اینجا به کدام شهرها رفته‌اید؟
- با چه وسیله‌ای به آنجا رفتید؟ با اتوبوس، مینیبوس، اتومبیل، ...؟
- چطور بلیت خریدید؟ چقدر ماندید؟ چکار کردید؟
- بفرمایید چند شهر تاریخی در کشورتان می‌شناسید؟
- کدام یک مثل شهر ری است؟ تا پایتخت چقدر فاصله دارد؟
- آرامگاه دانشمند یا شاعری هم در آنجا هست؟ توضیح بدهید.
- زیارتگاه مهم و معروفی در آنجا وجود دارد؟
- خیلی متشکّرم. خسته نباشد. راستی! اگر شما سوار یک ماشین بشوید که راننده نشانی را بلد نباشد به فارسی چه می‌گویید؟
- ◀ می‌گوییم **مستقیم** بروید. به راست، به چپ ... چقدر می‌شود؟

• تمرین‌های ۱، ۲ و ۳ ← صفحه‌های ۱۲

❸ **کفتکو**

## ۴۰ درس چهارده

مهمان



### بانک ملی



ساختمان بانک ملی ایران

← کتاب کار (ضبط و مقایسه گنید)

وازگان



to be used ..... استفاده شدن

information ..... اطلاع (جمع: اطلاعات)



to inform ..... اطلاع دادن

signature ..... امضا

to sign ..... امضا کردن

اسکناس

bank ..... بانک



saying goodbye ..... خُداحافظی

to say goodbye ..... خُداحافظی کردن

cheerful ..... خوش

چک

happy ..... خوشحال

to have a good time ..... خوش گذشتن (به)

to be made ..... درست شدن

to pour ..... ریختن - ریز



دفترچه

to begin vi ..... شروع شدن

dear ..... عَزِيز

to send ..... فِرِستادن - فِرِست

to pass ..... گذشتن - گذار



دلار

amount (of money) ..... مبلغ

excuse (some one), apology ..... معذرة

national ..... ملی

مَمنون : متشرّك



کارت پول

## متن



مُحَمَّد در بانکِ ملی، شعبه‌ی خیابانِ کارگر، حسابِ پس‌انداز باز کرده و مبلغی به این حساب ریخته است. او شماره‌ی حساب را به پدرش اطلاع داده است و پدرش هر ماه برایش به این حساب پول می‌فرستد.

بانک به مُحَمَّد دفترچه‌ی حساب و کارت‌پول داده است. او می‌تواند، با هر کدام، از حسابش پول ایرانی بگیرد. هر وقت بخواهد، به او دلار داده می‌شود. برای گرفتن پول با دفترچه، مُحَمَّد باید به بانک برود.

کارمند بانک اطلاعات لازم را در دفترچه می‌نویسد و بعد از امضا به او پول می‌دهد. اسکناس‌های ایرانی ده هزار تومانی، پنج هزار تومانی، دو هزار تومانی، هزار تومانی، پانصد تومانی، دویست تومانی، صد تومانی و پنجاه تومانی است.

## ساختار ← کتاب کار

### ■ Passive Verb

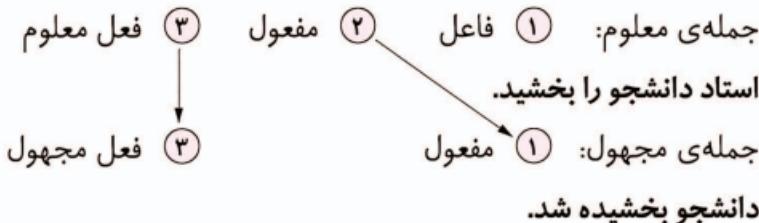
### ■ فعل مجهول

فعل مجهول با صفتِ مفعولي فعل معلوم + شدن درست می‌شود:

The past participle + شدن is a formal structure, used mainly in the written language, rarely in speech:

I was forgiven;	بخشیده شدم	شدم	+ بخشیده
you were forgiven;	بخشیده شدی	شدی	
...	بخشیده شد	شد	
	بخشیده شدیم	شدیم	
	بخشیده شدید	شدید	
	بخشیده شدند	شدند	

The passive is used far less in Persian than it is in English; a passive form is not used if the active form is possible:



The original subject is not mentioned in a passive sentence

either because it is not known or it is basically considered unimportant.

● تمرین ۱. مجهول جمله‌های زیر را بنویسید:

۱. کارمند بانک پول را به محمد داد.
۲. او خانه را به یک خارجی فروخت.
۳. من نامه را به دانشکده فرستادم.
۴. تو صدا را از فاصله زیادی شنیدی.
۵. ما هتل زیبایی ساختیم.
۶. آنها مرا هم در این رشته پذیرفتند.

کدام یک مجهول است؟ 

- ⑥      ⑤      ④      ③      ②      ①

■ **مجهول افعال مرکب** – برای ساختنِ مجهول افعال مرکب، اغلب از "شدن" به جای "کردن" استفاده می‌کنیم:

مجهول	معلوم
استفاده شدن	استفاده کردن
تکرار شدن	تکرار کردن

درست شدن

درست کردن

شروع شدن

شروع کردن

جمله‌ی معلوم: استاد درس را کمی زود شروع می‌کند.

جمله‌ی مجهول: درس کمی زود شروع می‌شود.

● تمرین ۲. مجهول جمله‌های زیر را بنویسید:

۱. او تلویزیون را زود درست می‌کند.

۲. من شما را به جشن دعوت می‌کنم.

۳. ما کلمات را هر روز تکرار می‌کنیم.

۴. استاد مرا به همه معرفی می‌کند.

۵. ما کلاس را از فردا شروع می‌کنیم.

۶. راننده همه را سوار اتوبوس می‌کند.

کدام یک مجهول است؟

⑥

⑤

④

③

②

①

■ **منفی مجهول** — در فعل مجهول، فقط "شدن" منفی می‌شود:

این در بسته می‌شود. —&gt; این در بسته نمی‌شود.

آن پنجره درست شد. —&gt; آن پنجره درست نشد.

## جدول

۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
		↗				
	↗					
			↗			
				↗		
	↗					
		↗				
			↗			

### افق

۱. در آنجا حساب باز می‌کنیم ↗ با آن می‌بینیم ولی حرف آخر ندارد. ۲. مخالف گذشت: ۳. ما شما ... می‌بینیم ↗ رفتن → رفتی؛ آمدن < ... ۴. کارمندان ما هم زن هستند و ... ۵. بیشتر مردم غذا را با ... می‌خورند ۶. رفتن < رفتنا؛ بردن < ... ۷. حرف پـ در انگلیسی ↗ رفتن < روند؛ آمدن < ...

### عمودی

۱. آب است و از آسمان می‌ریزد ۲. کلمه‌ی پرسیدن ↗ رنگ آب ۳. تکرار یک حرف ↗ نقاشی یکی از ... ها به شمار می‌رود ۴. اهل ... شهر هستید؟ ↗ حرف‌های اول و دومِ دانش ۵. دارای یک معنی ۶. ... و پنجره ↗ دو حرف آخر دیدن ۷. کارگوش

● تمرین ۳. جمله‌ها را به منفی مبقوول تبدیل کنید:

۱. من امروز چیزی می‌خرم.

۲. پسرم پنجره را می‌بندد.

۳. ما صدایی شنیدیم.

۴. همه‌ی چک‌ها را فرستاده‌ام.

۵. دوستان عزیزم را دعوت کردند.

۶. حمام را خوب درست کرده بودی.

کدام یک منفی ممکن است؟

- ۶      ۵      ۴      ۳      ۲      ۱

### Verbal Preposition

### حرفِ اضافه‌ی آفعال

بسیاری از فعل‌های فارسی حرف اضافه‌ی مخصوص دارند: آشنا شدن با، لذت بردن از، نگاه کردن به، اجازه دادن به، قرار داشتن در، حرف زدن با، خداحافظی کردن با، خوش گذشتن به.

حرف اضافه همیشه قبل از فعل می‌آید:

ما با فرهنگ کشورهای مختلف آشنا می‌شویم و از آن لذت می‌بریم.

### Word Formation

### واژه‌سازی

بسیاری از واژه‌های فارسی را با پیشوند و پسوند درست می‌کنیم:

adj	بی‌مزه	←	n	مزه	+	بی	-
n	باغچه	←	-چه	+ n	n	باغ	
n	دانش	←	-ش	+ v	v	دان	
n	دانشکده	←	-کده	+ n	n	دانش	
n	خوابگاه	←	-گاه	+ v	v	خواب	
n	زیارتگاه	←	-گاه	+ n	n	زیارت	

n	کارگر	←	گر	+	n	کار
adj, n	دانشمند	←	مند	+	n	دانش
n	فروشنده	←	نده	+	v	فروش
n	آزادی	←	ی	+	adj	آزاد
adj	اسلامی	←	ی	+	n	اسلام

### درک ← کتاب کار

تمرين ۱. "من" یا "خ" بگذاري و غلطها را تصحیح کنید:

۱. ( ) محمد در شعبه‌ی انقلاب حساب باز کرده است.
۲. ( ) کارمند بانک به او دفترچه‌ی حساب داده است.
۳. ( ) پدرش هر ماه برای او کارت پول می‌فرستد.
۴. ( ) محمد می‌تواند از حسابش پول بردارد.
۵. ( ) او فقط با دفترچه می‌تواند از بانک پول بگیرد.
۶. ( ) محمد نمی‌تواند از بانک‌های ایران دلار بگیرد.

### تمرين ۲. کدام جواب صحیح است؟

- |  |   |
|--|---|
| ۱. <input type="checkbox"/> شعبه‌ی کارگر | ۱. <input type="checkbox"/> شعبه‌ی انقلاب |
| ۲. <input type="checkbox"/> نمی‌دانم     | ۲. <input type="checkbox"/> مبلغ زیادی    |

- |   |                                      |                                       |
|---|--------------------------------------|---------------------------------------|
| ۳. <input type="checkbox"/> با هر دو      | <input type="checkbox"/> با کارت پول | ۴. <input type="checkbox"/> با دفترچه |
| <input type="checkbox"/> هر دو            | <input type="checkbox"/> مادرش       | <input type="checkbox"/> پدرش         |
| <input type="checkbox"/> هر دو            | <input type="checkbox"/> ریال        | ۵. <input type="checkbox"/> دلار      |
| ۶. <input type="checkbox"/> گاهی لازم است | <input type="checkbox"/> لازم نیست   | ۷. <input type="checkbox"/> لازم است  |

تمرين ۱۳. کدام کلمه به بانک مربوط است؟

- ۶      ۵      ۴      ۳      ۲      ۱

### نگارش ← کتاب کار

تمرين ۱. جواب سؤال‌های زیر را کامل بنویسید:

۱. محمد کجا حساب باز کرده است؟

۲. او از کارمند بانک چه گرفته است؟

۳. با چه می‌تواند پول ایرانی بگیرد؟

۴. پدرش کی برای او پول می‌فرستد؟

۵. کی می‌تواند از بانک دلار بگیرد؟

۶. اسکناس ایرانی چند تومانی است؟

تمرين ۲. بنویسید که چگونه می‌توانید در یکی از بانک‌ها حساب باز کنید، چگونه می‌توانید پول بگذارید و چگونه پول بگیرید.

**۳۰ تمرین** ۳. کلماتی را که می‌شنوید بنویسید:

- |    |    |    |
|----|----|----|
| ۱. | ۲. | ۳. |
| ۴. | ۵. | ۶. |

### حَطِّ فارسی:

صد صورت صحی صدا امضا توضیح حاضر صحی مخصوص

### گفتار

← کتاب کار (ضَبْط و مُقَايِسَه كُنِيد) فیلم صد

### وازگان

← [فِرِستَادَن، مِيْ فُرِستَم، يُفْرِست، يُفْرِستَين]

**۳۱** در زبان غیررسمی، مخصوصاً در گفتار، به جای باشیدن، از

شناسه‌های بودن و شکل‌های هستن استفاده می‌شود:

دانشجوی زبان می‌باشم. ← [دانشجوی زبان هستم / زبانم.]

اینجا مخصوص خانم‌ها می‌باشد. ← [اینجا مخصوص خانم هاست.]

ما دوستان شما می‌باشیم. ← [ما دوستان شما هستیم / شما بیم.]

همه مشغول کار هستند / کارند. ← [همه مشغول کار می‌باشند.]

## ۶ شکل رسمی

## ۶ شکل رسمی

- سلام آقا. صبح به خیر. می خواهم یک حساب پس انداز باز کنم.
- ▶ خواهش می کنم. خوش آمدید. چقدر به حساب می گذارید؟
- الان صد هزار تومان می گذارم. بعد پدرم پول می فرستد.
- ▶ اشکال ندارد. کارت پول هم می خواهد؟
- بله، اگر می شود. ممنون می شوم هم دفترچه بدھید هم کارت پول.
- ▶ حتماً. اینجا را امضا کنید. این دفترچه؛ این هم کارت پولتان.
- متشکّرم آقا. معذرّت می خواهم، من می توانم از شما دلار بگیرم؟
- ▶ البته که می توانید. هیچ اشکالی ندارد. شما می توانید از اینجا هم ریال بگیرید هم دلار.
- خیلی ممنون. خدا حافظ. ▶ خواهش می کنم. خوش آمدید.

● تمرین های ۱، ۲ و ۳ ← صفحه های ۱۲

۶  کفتکو

## درس پانزده

مهماں

کاخ نیاوران

# مَجْمُوعَهٍ فَرَهْنَگیٍّ - تاریخیٍّ نیاوران



کاخ-موزه‌ی نیاوران

← کتاب کار (ضبط و مقایسه کنید)

وازگان



Well done! ..... آفرین!

permission ..... اجازه

to permit ..... اجازه دادن

hope ..... امید

hopeful ..... امیدوار



/h/ پادشاه

ancient ..... باستانی



to weave ..... بافن - باف

by reason of ..... /da'lile/ بِهِ دَلِيلٍ

hall ..... تالار

تابلو

formation ..... تشكيل

to be formed ..... تشكيل شدَن

civilization ..... تمَدن



riddle ..... چيستان (چیست آن؟)

تالار

reason ..... دلیل (جمع : دلایل، دلیل‌ها)

سلام عَلَيْكُم : سلام



cultural ..... فَرهنگی

collection, complex ..... مَجموَعه

سینما

traveller ..... مُسافِر

contemporary ..... مُعاصر

honor-mend یسم، صفت : کسی که هنری دارد؛ دارای هنر

artistic ..... هُنَری



قطار

## مَتن



مجموعه‌ی فرهنگی - تاریخی نیاوران در شمال تهران واقع است. شمال تهران هوایی تمیزتر و خنک‌تر از مرکز و جنوب شهر دارد. در اینجا می‌توانیم کاخ‌ها، باغ‌ها و ساختمان‌های زیبا و بزرگی ببینیم.

مجموعه‌ی نیاوران از سه کاخ - موزه و یک موزه‌ی تاریخی - هنری، تالار پذیرایی، سینما، کتابخانه، رستوران و یک فروشگاه تشکیل می‌شود. کاخ‌ها و موزه‌ها در فاصله‌ی ۱۶۰ تا ۴۰ سال گذشته ساخته شده‌اند.

در موزه‌ها، آثار مختلفی از تمدن‌های باستانی ایران و بعضی کشورهای دیگر و نیز آثار هنرمندان معاصر، مانند فرش‌ها و تابلوهای نقاشی، قرار دارد. فرشی که صورت پادشاهان و بزرگان ایران از دوره‌ی هخامنشی تا قاجار در آن بافته شده یکی از این آثار است.

ساختار ← کتاب کار

## ■ Possible Condition

## ■ شرط ممکن

حالِ التِّزامِي + حالِ إخبارِي

(امکان دارد.)

اگر بروم آن را می خرم.

گذشته‌ی ساده + حالِ إخبارِي

(امکان دارد.)

اگر رفتم آن را می خرم.

حالِ إخبارِي + حالِ إخبارِي

(امکان دارد.)

اگر شما می روید من هم می روم.

حالِ إخبارِي یا گذشته‌ی ساده + أمر

اگر می خواهی بخر. = اگر خواستی بخر. (امکان دارد.)

● تمرین ۱. با کلمات هر گروه جمله‌ای به شرطِ ممکن بنویسید:

اگر به بانک رفتن. پول گرفتن من. به بانک بروم پول می کیرم.

۱. شما. سوار مترو شدن. لذت بردن

۲. ما. غذا پختن. به زیارتگاه بردن

۳. او. امیدوار بودن. موفق شدن

۴. تو. درس خواندن. قبول شدن

۵. ما. کمک کردن. خوشحال شدن

۶. ایشان. آمدن. شیرینی آوردن

کدام جمله شرط ممکن است؟

- ۶      ۵      ۴      ۳      ۲      ۱

■ **Impossible Condition**

**شرط غیرممکن**

گذشته‌ی استمراری + گذشته‌ی استمراری

اگر باران می‌بارید با ماشین می‌رفتیم. (باران نبارید، با ماشین نرفتیم.)  
گذشته‌ی ساده‌ی بودن و داشتن به جای گذشته‌ی استمراری می‌آید:  
اگر خسته بودم می‌خوابیدم. اگر پول داشتم می‌خریدم. (این طور نشد.)

● تمرین ۲. با کلمات هر گروه جمله‌ای به شرط غیرممکن بنویسید:

اگر بیمار می‌شدم می‌خوابیدم.

من. بیمار شدن. خوابیدن

۱. ما. آنجا بودن. کمک کردن

۲. آنها. شنیدن. جواب دادن

۳. تو. آمدن. فیلم را تماشا کردن

۴. شما. پول خواستن. من. دادن

۵. او. امضا کردن. پول گرفتن

۶. شما. اجازه دادن. آنها. ماندن

 کدام جمله شرط غیرمملوک است؟

- ۶      ۵      ۴      ۳      ۲      ۱

 ضرب اول  
در هفت آسمان یک تاره ندارد.

■ **جمع با "ان"** is used for animate beings mainly in the

formal language: پادشاهان، هنرمندان، مسافران، پزشکان

همخوان میانجی‌ی و آشنا، آقایان، دانشجویان

■ **جمع با "ها"** is used for inanimate objects

تالارها، اسکناس‌ها، هتل‌ها، کلیدها، امیدها

**ها** is also used for animate beings in the informal and non-literary language, especially in speech:

بیماران = بیمارها؛ شوهران = شوهرها؛ دشمنان = دشمن‌ها

Most nouns denoting relatives take only **ها** for the plural:

عموها، خاله‌ها، دایی‌ها، عمه‌ها، پسرعموها، دخترعممه‌ها، پدربزرگ‌ها

همچنین بعضی کلمات دیگر: بچه‌ها، جمعیت‌ها، خانم‌ها، دکترها

خانه‌دارها، پیشخدمت‌ها

■ **جمع صفت** – بسیاری از صفت‌های فارسی ممکن است به جای اسم استفاده شوند و پسوند جمع بگیرند:

جوان: جوانان، جوانها	پیر: پیران، پیرها
----------------------	-------------------

■ **جمع شکسته‌ی عربی** – کلمات عربی زیادی در فارسی جمع شکسته دارند و ممکن است دارای جمع فارسی هم باشند:

جمع فارسی	جمع عربی	مفرد
آخرها	آثار	آخر
-	آهالی	أهل
مرکزها	مراکِز	مرکَز
مدرِس‌ها	مدارس	مَدْرِسَة
ملّت‌ها	مِلَّت	مِلَّت

■ **جمع با "ات"** – پسوند عربی "ات" برای جمع گروه زیادی از کلمات عربی و چند اسم فارسی استفاده می‌شود. بعضی از کلمات عربی ممکن است دارای جمع فارسی هم باشند:

-	اطلاعات	اطلاع
تمرین‌ها	تمرینات	تمرین
سؤال‌ها	سؤالات	سؤال

● تمرین ۱۳. جمع‌های کلمات زیر را بنویسید:

- |            |        |
|------------|--------|
| ۱. شعر     | پیر    |
| ۲. میوه    | هنرمند |
| ۳. دشمن    | جمعیّت |
| ۴. خاله    | نادان  |
| ۵. پیشخدمت | دکتر   |

کدام مفرد و جمع صحیح است؟

- (۶) (۵) (۴) (۳) (۲) (۱)

■ حرفِ ربطِ "که" (مفهومی)

که may refer to an objective antecedent:

ما هنرمندی را می‌شناسیم. آن هنرمند در موزه کار می‌کند.  
←  
هنرمندی که ما می‌شناسیم در موزه کار می‌کند.

The artist whom we know works at the museum.

● تمرین ۱۴. جمله‌های زیر را با "که" ترکیب کنید:

۱. شما کاری را انجام می‌دهید. آن کار آسان نیست.
۲. او ساختمانی را نشان داد. آن ساختمان پنج طبقه داشت.

۳. شما پولی را می‌شمارید. آن پول مال من است.
۴. تو چیستان و معتمایی را نوشتی. آنها خیلی جالب بود.
۵. شما مسافری را نشان دادید. او از قطار پیاده شد.
۶. ما ماشینی را خریدیم. آن ماشین قرمز رنگ است.

کدام جمله "که"‌ی مفعولی دارد؟

- ۶      ۵      ۴      ۳      ۲      ۱

درگ کتاب کار

تمرين ۱. "من" یا "غ" بگذارید و غلطها را تصحیح کنید:

۱. ( ) در شمال تهران هوا تمیزتر از جنوب تهران است.
۲. ( ) مجموعه‌ی فرهنگی - تاریخی نیاوران در جنوب تهران است.
۳. ( ) مجموعه‌ی نیاوران چهار کاخ و پنج موزه دارد.
۴. ( ) کاخها و موزه‌ها سه قرن قبل ساخته شده‌اند.
۵. ( ) این مجموعه سینما، کتابخانه، رستوران و فروشگاه دارد.
۶. ( ) آثار تمدن‌های ایرانی و غیرایرانی در این مجموعه دیده می‌شود.

تمرين ۲. کدام جواب صحیح است؟

- |   |   |  |
|---|---|--|
| ۱. <input type="checkbox"/> در شمال             | ۲. <input type="checkbox"/> در جنوب         | ۳. <input type="checkbox"/> در مرکز          |
| ۴. <input type="checkbox"/> در شمال             | ۵. <input type="checkbox"/> در جنوب         | ۶. <input type="checkbox"/> در مرکز          |
| ۷. <input type="checkbox"/> کاخ و موزه          | ۸. <input type="checkbox"/> کاخ و موزه      | ۹. <input type="checkbox"/> کاخ و موزه       |
| ۱۰. <input type="checkbox"/> حدود ۵۰۰ سال       | ۱۱. <input type="checkbox"/> حدود ۳۰۰ سال   | ۱۲. <input type="checkbox"/> حدود ۱۰۰ سال    |
| ۱۳. <input type="checkbox"/> تمدن ایرانی        | ۱۴. <input type="checkbox"/> تمدن غیرایرانی | ۱۵. <input type="checkbox"/> هنرمندان ایرانی |
| ۱۶. <input type="checkbox"/> هنرمندان غیرایرانی | ۱۷. <input type="checkbox"/> هر دو          | ۱۸. <input type="checkbox"/> هر دو           |

تمرين ۱۳. کدام یک به مرکز فرهنگی مربوط است؟

- ۶      ۵      ۴      ۳      ۲      ۱

### نگارش ← کتاب کار

تمرين ۱. جواب سؤال‌های زیر را کامل بنویسید:

۱. هوای شمال تهران چطور است؟

۲. برج‌های بلند در کجا بیشترند؟

۳. مجموعه‌ی نیاوران چند کاخ دارد؟

۴. مجموعه دارای چند موزه است؟

۵. کاخ‌ها و موزه‌ها کی ساخته شده‌اند؟

۶. آثار کدام تمدن‌ها در موزه‌هاست؟

- تمرين ۲. در کشور شما مرکز فرهنگی زیادی وجود دارد. کدام یک را بیشتر دوست دارید؟ چرا؟ در باره‌ی آن توضیح دهید.

تمرين ۳. کلماتی را که می‌شنوید بنویسید:

- |       |    |       |
|-------|----|-------|
| ۱.    | ۲. | ..... |
| ۴.    | ۵. | ..... |
| ..... | ۶. | ..... |

### ▪ حَطِّ فارسی:

عو بعد یعنی غار غذا غیر سروع شوغ موقع سلغ

← کتاب کار (ضبط و مقایسه کنید) فیلم صد **كتار**  
 پادشاه /h/ ← [پادشاه] **وازگان**

: /ā/ ←	پسوندهای جمع
← [مردان، زنان، هنرمندان]	مردان، زنان، هنرمندان
← [برج‌ها، تابلوها، کاخ‌ها]	برج‌ها، تابلوها، کاخ‌ها
← [اثرات، باغات، سؤالات]	اثرات، باغات، سؤالات

## ۶۰ شِکل رَسمی

- سلام علیکم، خانم نوشیک، روز به خیر. امروز در باره‌ی کشورتان صحبت می‌کنیم و کمی هم آنجا را با ایران مقایسه می‌کنیم.
- بفرمایید مهم‌ترین شهر کشورتان کدام شهر است؟ اگر اهل آنجا نیستید، اسم شهر خودتان را بگویید و آنجا را معرفی کنید.
- متأسفم، نشنیدم. ممکن است دوباره بفرمایید؟ ...
- شمال و جنوب آنجا با هم فرق دارد؟ چه فرق‌هایی دارد؟
- چه چیزهای مهم، جالب یا معروفی در آنجا وجود دارد؟
- آنجا مجموعه‌ی فرهنگی دارد؟ لطفاً توضیح بدهید. چطور است؟
- می‌توانید بگویید تهران با پایتخت کشور شما چه فرق‌هایی دارد؟
- آفرین! چه خوب حرف می‌زنید! امیدوارم موفق باشید.

● تمرین‌های ۱، ۲ و ۳ ← صفحه‌ی ۱۲

۶۰  کُفتکو

## درس شانزدهم

مهماز

### آموزش زبان و ادبیات فارسی



استادان و دانشجویان زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران

← کتاب کار (ضبط و مقایسه کنید)

وازگان

آرژشمند : دارای آرژش

welcome ..... استقبال

to welcome ..... استقبال کردن

for this reason ..... به این دلیل

educational ..... تحصیلی



تاتیانا مالنکایا، اوکراین

**presence** شریف رسمی



شَرِيفُ آورَدَن : آمدن

شَرِيفُ بُرَدَن : رفت

شَرِيفُ داشْتَن : بودن

جان ترهارد، هنلند

**contact** تماس

**to contact** تماس گرفتن (با)



life, soul; a term of endearment جان

**empty** خالی



**degree** درجه

**doctorate** دکتری



علاقه‌مند : دارای علاقه

**short-term** کوتاه‌مدّت

**period** مدت

**travel** مسافرت

**word** واژه (جمع: واژه‌ها، واژگان) (vocabulary)

May it be wholesome for you! نوش جان



ویکتور الک، لبنان

هنریک شیورسکی، بروزیل

## متن



زبان فارسي يکی از زبان‌های مهم ايراني است که مردم کشورهای ايران، افغانستان، تاجيکستان و در بعضی کشورهای ديگر به آن صحبت می‌کنند. فارسي، زبان دوم جهان اسلام است.

همچنين آدبيات فارسي داراي آرژش و اهمیت زيادي است و، به اين دليل، بسیاري از دانشجويان در کشورهای مختلف به آموزش زبان و آدبيات فارسي علاقه‌مندند. در مراکز فرهنگي ايران، دوره‌های تحصيلي تا درجه دکتری، و کلاس‌های کوتاه‌مدت در رشته‌ی زبان و آدبيات فارسي تشکيل می‌شود. علاقه‌مندان به ادامه تحصيل در اين رشته یا شرکت در کلاس‌های کوتاه‌مدت می‌توانند با سفارت جمهوري اسلامي ايران در کشور خود تماس بگيرند.

## ساختار ← کتاب کار

### ■ Persian Orthography

### \* املای فارسی\*

بسیاری از ایرانیان بعضی کلمات فارسی را به شکل پیوسته می‌نویسند  
مانند کلمات زیر:

آن : آنروز، آزن، آنمد

است : آنست، اینست، خوبست، لازمست، شلوغست

به : بمن، بتو، باو، بما، بشما، بآنها، بایشان، باآن، باین، بپدر

تر : آسانتر، قشنگتر، شلوغتر، ارزانتر، تاریکتر

ترين : جوانترین، خوشحالترین، سنگینترین، معروفترین

را : آنرا، اینرا، زنرا، کتابرا، جهانرا، آبرا، نانرا

من : میروم، میشوی، میکند، میخوانیم، میدانید، میدهند

نمی : نمیروم، نمیشوی، نمیکند، نمیخوانیم، نمیدانید، نمیدهند

ها : زنها، شبها، جوابها، جوانها، چوبها، مرغها، زبانها، چیستانها

هم : آنهم، اینهم، منهمن

هیچ : هیچکس، هیچکسی، هیچوقت

در کتاب حاضر، کلمات بالا را جدا نوشته‌ایم تا خواندن و آموختن  
آنها آسان‌تر باشد. دانشجویان عزیز بهتر است به جدا نوشتن

---

\* املای کلمات در این مجموعه بر اساس دستور خط فارسی، مصوب فرهنگستان زبان و ادب  
فارسی، تدوین گردیده است.

واژه‌های فارسی ادامه دهند و فقط کلمات کوتاهی را که شامل ها، تر، ترین می‌شود به شکل پیوسته بنویسند: زنها، دهها، کیفها، بهتر، بهترین، بیشتر، بیشترین، کمتر، کمترین

**واژه‌های غیرفارسی** – در زبان فارسی، تقریباً مانند همهی زبان‌های جهان، واژه‌هایی از زبان‌های دیگر وجود دارد. مثال‌های زیر کلماتی از زبان‌های تُركی، مُغولی و چینی در زبان فارسی است:

تُركی: اتاق، بشقاب، قاشق

مُغولی: آقا، خانم، میز

چینی: چای، سینی

**کلمات عربی در فارسی** – در زبان فارسی، از کلمات عربی بسیاری استفاده می‌شود، مانند احترام، ادبیات، استراحت، استفاده، اسم، اغلب، بعد، بعضی، تاریخ، تخفیف، تصحیح، تقریباً، جمعه، جمله، حاضر، حال، درس، دقیقه، ساعت، سلام، سوال، شروع، شغل، صبح، صحبت، صفحه، طبقه، ظهر، عموم، غذا، قبل، کافی، کلمه، لازم، مثال، معروف، معلم، مکالمه، نظر، نوبت، وقت، یعنی.

حرروف همزه، ث، ح، ص، ض، ط، ظ، ع، ق معمولاً در کلمات عربی

که به فارسی وارد شده‌اند به کار می‌روند. این حروف می‌توانند به شناختن کلمات عربی در فارسی کمک کنند.

چهار حرف پ، چ، ژ، گ حروف فارسی‌اند و هر کلمه‌ای که دارای یکی از آنها باشد معمولاً فارسی و غیرعربی به شمار می‌رود.

■ **کلمات اروپایی در فارسی** – در یکی دو قرن گذشته، واژه‌های اروپایی، مخصوصاً فرانسوی و انگلیسی، هم وارد زبان فارسی شده‌اند، مانند اتوبوس، اتومبیل، پست، تاکسی، ترافیک، تلفن، دکتر، رستوران، سالاد، سوپ، فامیل، کارت، کت، کلاس، مترو، مینی‌بوس، نمره.

■ **واژه‌های فارسی در زبان‌های دیگر** – از فارسی هم واژه‌های زیادی وارد زبان‌های دیگر شده‌است:

فارسی در انگلیسی: بازار، بوسه، پیزامه، خاکی، شاه، کاروان، کاروانسرا

فارسی در ترکی: انار، بازار، پنیر، تخته، تمیز، خانه، کشور، کوچک، هفتنه

فارسی در عربی: استاد، بخشش، پنجره، تازه، دین، زود، شاه، گل، هوا

● تمرین ۱. هر واژه از کدام زبان است؟

۱. ضربالمثل ..... چیستان

۲. میز ..... صحبت

.....	چنگال	.....	۳. تمدن
.....	تله کابین	.....	۴. سینما
.....	آرامگاه	.....	۵. بشقاب

کدام واژه فارسی است؟ 

- ۶      ۵      ۴      ۳      ۲      ۱

## جدول □

۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
						
						
						
						
						
						

### افق

۱. کسی که مسافرت می‌کند ۲. گرم نیست؛ ... است ۳. در کلاس است و روی آن می‌نویسیم ۴. کسی که اتوبوس و تاکسی و اتومبیل را می‌راند ۵. مخالف زیاد ۶. رفتن ← روایگفتمن ← ... ۶. یکی از ورزش‌ها ۷. در داخل

### عمودی

۱. همهی مردم یک کشور ۲. دماوند بلندترین قله‌ی ... های البرز است ۲. هم خدا را می‌خواهد هم ... را ۳. معلم دانشگاه اما ... د ندارد ۴. دو حرف اول لازم ۴. فرهنگی است اما ... فر ندارد ۵. رفتن ← رو؛ رسیدن ← ... ۶. همه با هم سؤال نکنید؛ یکی یکی، به ... سؤال کنید. ۶. شدن ← شود؛ رفتن ← ... ۷. من خسته شدم، او هم خسته ... ۸. یک هتل = ...

## ■ واژه‌های آدَبی و رَسْمی

کلمات ادبی و رسمی مخصوص نوشتنند. در صحبت کردن معمولاً از این کلمات استفاده نمی‌شود:

عادی و غیررسمی	آدَبی و رَسْمی
خیلی چیزها یاد گرفته‌ام.	آموختن : خیلی چیزها آموخته‌ام.
با ماشین می‌رویم.	اتومبیل : با اتومبیل می‌رویم.
حالا / الان کار می‌کنم.	اکنون : اکنون کار می‌کنم.
جایی به اسمِ لاله‌جین	به نام : جایی به نامِ لاله‌جین
حرف تو را قبول می‌کنم.	پذیرفتن : حرف تو را می‌پذیرم.
باید با هم حرف بزنیم.	گفتگو : باید با هم گفتگو کنیم.

### درگ ↪ کتاب کار

● تمرین ۱. "من" یا "غ" بگذارید و غلطها را تصحیح کنید:

۱. ( ) مردم ایران و چند کشور دیگر به فارسی صحبت می‌کنند.
۲. ( ) فارسی زبان سوم دنیا اسلام است.
۳. ( ) ادبیات فارسی ارزش بسیار دارد.
۴. ( ) دانشجویان خارجی زیادی به زبان و ادبیات فارسی علاقه‌مندند.
۵. ( ) در ایران دوره‌ای برای ادامه تحصیل وجود ندارد.
۶. ( ) علاقه‌مندان می‌توانند برای تحصیل به ایران مسافرت کنند.

**تمرين ۲. کدام جواب صحیح است؟**

۱.  در ایران و افغانستان  در تاجیکستان  
 در هر سه کشور  زبان دوم  
 ۲.  زبان اوّل  زبان سوم  
 زیاد است  خیلی کم است  
 ۳.  کم است  هر دو  
 ادبیات فارسی  زبان فارسی  
 ۴.  با سفارت ایران  با سفارت بوسنی  
 با سفارت کره  هر دو گروه را  
 ۵.  استادان را  دانشجویان را

**تمرين ۳. کدام کلمه به آموزش زبان فارسی مربوط است؟**

- ۶      ۵      ۴      ۳      ۲      ۱

**نگارش ← کتاب کار****تمرين ۱. جواب سوال‌های زیر را کامل بنویسید:**

۱. زبان کدام ملت‌ها فارسی است؟

۲. فارسی زبان چندم جهان اسلام است؟

۳. زبان اوّل جهان اسلام چیست؟

۴. ارزش ادبیات فارسی چقدر است؟

۵. راه ادامه تحصیل در ایران چیست؟

۶. برنامه‌های آموزش فارسی چیست؟

- تمرين ۲. نامه‌ای به یک دوست ایرانی بنویسید و درباره‌ی فانه، دانشگاه و شهری که در آن زندگی می‌کنید، همچنین زبان فارسی، توضیح دهید.

### تمرين ۳. کلماتی را که می‌شنوید بنویسید:

۱ ..... ۲ ..... ۳ ..... ۴ .....  
۵ ..... ۶ .....

### خط فارسی:

چطور سطر نظر نقطه لطف قطار خدا حافظ فقط و ط

**گفتار** ← کتاب کار (ضبط و مقایسه کنید) فیلم صد و ارگان

جان	← [جون]	نوش جان	← [نوش جون]
کوتاه مدت	← [کوتا <sup>ه</sup> مُدَّت]	مُوقَّتیت	← [مُوقَّتیت]

**ساختار جمله در گفتار** - شکل گفتاری زبان فارسی با شکل

نوشتاری یعنی نوشتتن آن در ساختار جمله فرق دارد:

۱. در شکل گفتاری، بعضی فعل‌ها مانند آمدن، رفتن، گذاشتن و رسیدن در وسط جمله می‌آیند و حروف اضافه‌ی به و در هم ممکن است حذف شوند:

من به کلاس آمدم. — [من او مدم کلاس.]

تو به خانه رفتی. — [تو رفتی خونه.]

کتاب را روی میز گذاشت. — [کتابو گذاشت رو میز.]

وقتی که به خانه رسیدم — [وختی رسیدم خونه]

۲. بعضی از فعل‌های امر در اول جمله هم گذاشته می‌شوند:

اینجا بیاید. — [بیاین اینجا. اینجا بیاین.]

اینجا بگذارید. — [بذارین اینجا. اینجا بذارین.]

روی زمین بنشین. — [بشنین رو زمین. رو زمین بشین.]

توى کلاس برويد. — [برین تو کلاس. تو کلاس برین.]

کتاب را بدھيد. — [بدین کتابو. کتابو بدین.]

در اتاق بمانيد. — [بمونين تو اتاق. تو اتاق بمونين.]

۳. حروف ربط تا و که در شکل گفتاری حذف می‌شوند:

به بازار رفت تالباس بخرد. — [رفت بازار لباس بخره.]

به دانشگاه آمد که مرا ببیند. — [اوmd دانشگاه منو ببینه.]

می‌دانم که او نمی‌آید. — [می‌دونم اون نمیاد.]

## ۶۰ شکل رسمی

## ۶۰ شکل رسمی

- دوستان عزیز، روز آخر کلاس است. خوشحالم که همه تشریف دارید. فارسی را در اینجا خوب کار کردید و، اگر بخواهید رشته‌ی زبان و ادبیات را در ایران ادامه بدهید، فکر می‌کنم موفق بشوید...
- حالا خواهش می‌کنم نظرتان را در باره‌ی این کلاس بگویید.
- بفرمایید چه چیزهایی خوب بود و چه چیزهایی جالب نبود؟ ...
- کمی هم در باره‌ی آموزش زبان خودتان صحبت کنیم.
- در کشورتان تقریباً چقدر دانشجوی خارجی دارید؟ آنها زبان شما را کجا یاد می‌گیرند؟ چطور یاد می‌گیرند؟ ...
- متشکرم. از درس دادن در این کلاس لذت بردم. برای شما آرزوی موفقیت دارم. امیدوارم شما را در کلاس بالاتر ببینم.

● تمرین‌های ۱، ۲ و ۳ ← صفحه‌ی ۱۲

۶۰ من شنیدم

## فهرست واژه‌های هر درس

### درس ۱

آبی، آرامگاه، اثر، اوّلین، به نامِ بین، پایتخت، تاریخی، جهان، چه چیز، دانش، دانشمند، دیدنی، ساختن، سرامیک، شاعر، شناختن، شناسایی، غار، فاصله، کتیبه، کیلو، کیلومتر، متر، مرکز، معروف، نشان، نشان دادن، واقع، هر دو، همچنین، هنر

### درس ۲

ارتفاع، اکنون، برج، بزرگراه، بسیار، بیش، جالب، جمعیت، چگونه، چه کسی، راه، زیبا، ساختمان، شمردن، فهمیدن، قله، کوه، مثل، مختلف، مربع، مساحت، مقایسه، مقایسه کردن، موزه، مهاجرت، مهاجرت کردن، مهم، میلیون، نقطه، وجود، وجود داشتن، هتل

### درس ۳

آزاد، استخر، اسلام، اسلامی، امسال، امشب، بازی، بازی کردن، بسکتبال، به اسمِ به جای، پارسال، پریروز، پریشب، پس‌فردا، تحصیل، تحصیل کردن، دارای ... بودن، دانشکده، رشته، زمین، سالن، شنا، مخصوص، مدرسه، معلم، والیبال، ورزش، ورزش کردن، وغیره، ولی، یادگرفتن

### درس ۴

آشنا، آشنا شدن، آشنایی، آموختن، آموزش، ادبیات، بردن، بلد بودن، بین‌المللی، پذیرفتن، چکاره، حرف زدن، خارج، خارجی، درس دادن، دوره، دوستانه، زدن، زن، سن، غیر، غیرایرانی، فرهنگ، کاملاً، گروه، لذت بردن، مرد، معرفی، معرفی کردن،

هرگز، هم ... (و) هم ... همیشه

#### درس ۵

آزادی، به شمار رفتن، پارک، تماشا، تماشاکردن، خود، داخل، (در) داخل، (در) وسط، رنگ، سبز، سفید، شاید، شمار، فروندگاه، فیلم، قرار داشتن، قسمت، گردش، گردش کردن، ماشین، مانند، مربوط (به)، معماری، ممکن، موسیقی، نشاندهنده، نقاشی، وسط، هرکس، هیچ، هیچ کس

#### درس ۶

آخر، آسمان، باغ، باغچه، بنفس، به نظر، پُر، تثنی، خنک، درخت، دریا، دریاچه، ربع، زرد، سرخ، سرد، سیر، شیرینی، صاف، فصل، گرسنه، گرم، گل، ماه، مخالف، مخصوصاً، معنی، ملت، نه ... (و) نه ... وقتی که، هم معنی، هوا

#### درس ۷

آجیل، انار، انسان، پرتقال، تا حالا، تاریک، تاریکی، تمام، جشن، جنگ، دشمن، دعوت، دعوت کردن، زمستان، سنت، سنتی، شعر، شوهر، فرش، قرمز، مادر بزرگ، مهمان / میهمان، مهمانی / میهمانی، میوه، نادان، نادانی، نزدیکان، وارد، وارد شدن، هندوانه، هنوز، یلدا

#### درس ۸

آره، ارزان، بازار، بالا، بهتر، بهترین، بیشتر، بیشترین، پایین، پوشیدن، پیراهن، تجارت، تمام کردن، دامن، روی هم، سیاه، شامل ... شدن، شلوار، طلا، طول، فرق، فرمایش، فرمودن، قهوه‌ای، کاروان سرا، کت، کفش، گران، لازم داشتن، تغیر، تسبیه، نقد

#### درس ۹

استراحت، استراحت کردن، بیمار، بیمارستان، بیمار شدن، بیماری، پا، پرسیدن، پزشک، تب، جدید، دارو، داروخانه، درد، درد کردن، دست، دل، دندان، دهان، سر، شدید، صدا کردن، صورت، گفتگو، گلو، معاينه، معاينه کردن، منشی، موقع، موقعی که،

میلاد، نسخه

## درس ۱۰

آرزو، آرزوکردن، امام، امامزاده، انداختن، بی، بی‌مزه، بی‌نمک، پختن، ترش، تلخ، حتی، خرماء، دعا، دعا کردن، زیارت، زیارت کردن، زیارتگاه، شکر، شور، شیرین، طرف، عده، عصر، قرآن، ماندن، مزه، نذر، نذر کردن، نماز، نماز خواندن، نمک

## درس ۱۱

اسکی، اشتباہ، ایستادن، ایستگاه، باران، باریدن، برف، بقیه، به طرف، پیاده‌روی، پیر، تابستان، تله‌کایین، تمیز، جوان، چندم، دوم، راحت، راه رفتن، رساندن، سبک، سخت، سنگین، سوم، عالی، فکر، فکر کردن، کثیف، کوهنوردی، هرجیز، هیچ‌چیز، یا ... (و) یا ...

## درس ۱۲

آوردن، آینده، اقامت، اقامت کردن، الآن، بار، برگشتن، بلیط، پذیرش، پیشخدمت، تصحیح، تصحیح کردن، تقریباً، تلویزیون، چشم، حتماً، حمام، دستشویی، دعوت شدن، راندن، راننده، ستاره، شرکت، شرکت کردن، شستن، عشق، علاقه، گذرنامه، گفتگو کردن، لاله، مجمع، هواپیما

## درس ۱۳

احترام، ارزش، البته، بزرگان، بهبه، پزشکی، تمرین کردن، چپ، حرم، حضرت، حل، حل کردن، خسته، خوب شدن، در واقع، راست، راستی، شنیدن، فراموش، فراموش کردن، قبلاً، قبول کردن، قرن، کمک، کمک کردن، کمکم، مستقیم، نگاه کردن، هروفت، هیچ وقت، یکی یکی

## درس ۱۴

استفاده شدن، اسکناس، اشکال، اطلاع، اطلاع دادن، امضا، امضا کردن، بانک، پس انداز، پول خرد، چک، حساب، خداحافظی، خداحافظی کردن، خوش، خوشحال، خوش گذشتن (به)، درست شدن، دفترچه، دلار، ریختن، شروع شدن، شعبه، عزیز،

فرستادن، کارت پول، گذشتن، مبلغ، معذر، معذر خواستن، ملّی، منون

درس ۱۵

آخرین، اجازه، اجازه دادن، امید، امیدوار، باستانی، باقتن، به دلیل، پادشاه، پذیرایی،  
تابلو، تالار، تشکیل، تشکیل شدن، تمدن، چیستان، خط، دلیل، سلام علیکم، سینما،  
فرهنگی، قطار، کاخ، متأسف، مجموعه، مسافر، معاصر، معما، موفق، نستعلیق، هنرمند،

هنری

درس ۱۶

ادامه، ادامه دادن، ارزشمند، استقبال، استقبال کردن، انشاء الله، اهمیت، برنامه، به این  
دلیل، تحصیلی، تشریف، تشریف آوردن، تشریف بردن، تشریف داشتن، تماس، تماس  
گرفتن، جان، جمهوری، خالی، درجه، دکتری، سفرات، علاقه‌مند، کوتاه‌مدت، لطف،  
مدت، مسافرت، مسافرت کردن، موقّت، نوش جان، واژه، واژه‌نامه

٢١٦

آخه: ۷۱	بودن (شکل پیوسته): ۴
آره بله، آره، چرا آهنگ: ۱۹	بودن (شنايسهها): ۷۶
آيا: ۱۸	بودن (مصدرها): ۱۶۷, ۴
آينده: ۱۳۸-۱۳۶	پيشوند و پسوند: ۷۹, ۸۸, ۱۶۴, ۱۶۵, ۱, ۱۶۵
آدب و احترام: ۴۳, ۳۵	۱۷۵
آست: ۲۳	تُركى: ۱۸۶, ۱۸۵
استفهام: ۹۰, ۶۶, ۱۹, ۱۸	تکيهي جمله: ۳۱, ۱۹, ۱۸, ۳۱, ۳۲, ۳۲, ۶۶
اسنن بودن (مصدرها)	۱۵۱
اسم: ۱۴۳, ۴, ۵۴, ۷۹, ۸۹, ۱۱۴, ۱۲۷, ۱۱۴, ۸۹, ۷۹, ۲۰, ۱۱۶, ۹۲, ۶۵, ۴۴, ۱۱۴, ۸۸, ۸۳, ۷۹	تکيهي گروه: ۳۱
آيدل: ۱۷۵, ۱۷۴	تجدد: ۲۰, ۲۰, ۱۱۶, ۹۲, ۶۵, ۴۴, ۱۱۴, ۸۸, ۸۳, ۷۹
اضافه: ۱۲۷, ۱۱۴, ۸۹	۱۸۷, ۱۶۳
إملائي فارسي: ۱۸۴	جمع: ۱۷۹, ۱۷۵, ۱۷۴, ۱, ۱۳۱
إنگليسي: ۱۸۶, ۷۹	جمله‌ي شرطی: ۱۷۳, ۱۷۲
باشيدن: ۱۶۷, ۵۳, ۲۸	جمله‌ي صوتی: ۶۶, ۶۵
بدل: ۱۵۰	جمله‌ي مرگب: ۱۳۹, ۱۳۸, ۹۱
تبليه، آره، چرا: ۹۱, ۹۰	چرا بله، آره، چرا

روز، ماه، سال:	۶۷، ۵۶	چشم:	۱۴۴
ساختار جمله:	۱۱۲، ۹۱، ۳۰، ۱۸، ۶	چکاره هستید؟	۴۳
۱۱۵		چینی:	۱۸۵
حال اخباری:	۱۹۱، ۱۹۰، ۱۶۴	حال اخباری:	۱۳۷، ۱۱۲، ۷۱، ۲۹، ۲۸
ستاک حال:	۱۰۳، ۵۲، ۴۰، ۲۸، ۱۶	ستاک	۱۷۲
ستاک گذشته:	۱۷، ۱۶، ۷۶، ۸۲	حال اتزامی:	۱۷۲، ۷۱، ۵۴-۵۲
۱۳۶		حال جاری:	۱۱۳، ۱۱۲
شناسه‌های حال $\leftarrow$ ضمیر فاعلی		حال ساده:	۱۳۶، ۱۱۲، ۵، ۴
شناسه‌های گذشته $\leftarrow$ ضمیر فاعلی		حذف:	۱۳۱، ۹۱، ۶۷، ۵۲، ۴۷، ۴۰
صداهای و:	۱۹	صداهای:	۱۹۱، ۱۵۵، ۱۳۹
حرف اضافه:	۶۷، ۱۵۲، ۸۸	حروف اضافه:	۱۹۱، ۱۶۴
صیغت برتر:	۹۰-۸۸	حروف ربط ساده:	۱۷۶، ۱۵۵، ۱۳۸، ۳۰
صیغت برترین:	۹۰، ۸۹، ۳	۱۷۵	۱۹۱
صیغت مُطلق:	۸۹، ۸۸، ۴	حروف ربط همپایی:	۶۷، ۴۲
صیغت مقعولی:	۱۶۰، ۱۰۰، ۸۲، ۷۶	خط فارسی (نستعلیق):	۴۶، ۳۴، ۲۲، ۱۰
ضرب القتل:	۱۰۲، ۷۸، ۵۴، ۳۱، ۵	۱۷۴، ۱۵۰، ۱۲۸	۱۳۰، ۱۱۹، ۱۰۷، ۹۵، ۸۷، ۵۸
ضمیر فاعلی:	۱۰۳، ۵۲، ۳۵، ۲۸، ۱۷، ۴	خود:	۱۱۹، ۱۱۵، ۵۴
ضمیر ملکی:	۱۱۵، ۱۰۷، ۱۰۴، ۵۴	خیر $\leftarrow$ نه، خیر، تغیر	
۱۳۱، ۱۱۹		دارای ... بودن:	۳۰
عيازت صوتی:	۶۴	را، نشانه‌ی مقعول:	۱۳۹، ۹۵، ۱۹
عدید آصلی:	۱۲۷، ۱۲۶، ۶۵	رنگ:	۹۱

- عدد ترتیبی: ۱۲۷، ۱۲۶  
عربی: ۱۲۷  
فاعل: ۱۱۲، ۵، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۴۸، ۱۱۵  
فرانسوی: ۱۸۶، ۷۹  
 فعل ← هر یک از زمان‌ها
- گونه‌ی گفتاری: ۱۱، ۱۸، ۲۳، ۱۸، ۹۱، ۹۰  
۹۵، ۸۸، ۸۳، ۸۲، ۷۱، ۵۷، ۵۹  
۱۴۳، ۱۳۱، ۱۱۹، ۱۱۳، ۱۰۷  
۱۷۹، ۱۷۴، ۱۶۷، ۱۵۵، ۱۴۹  
مُتَقْيم: ۱۹، ۶  
مجهول: ۱۶۲-۱۶۰  
مُسْنَد: ۳۲، ۱۸  
مَصْدَر: ۱۳۶، ۸۲، ۱۶، ۴  
مَصْدَرِ كَوْتَاه: ۱۳۶  
مُؤْلِي: ۱۸۵  
مَفْعُولِي: ۱۷۶، ۱۶۰، ۱۳۹، ۱۹، ۵  
مَنْفِي: ۷۱، ۵۵، ۵۴، ۳۲، ۲۹، ۱۸، ۵، ۴  
۱۳۸، ۱۲۶، ۱۱۳، ۱۰۲، ۸۳، ۷۸  
۱۶۲، ۱۴۹  
مُوصَول: ۱۷۶، ۷  
تَغْيِير ← نه، خیر، نخیر  
تَكْرِه: ۶۴، ۴۳، ۴۲  
نه، خیر، تَغْيِير: ۹۱  
نهی: ۴۱  
واژگان گفتاری ← گونه‌ی گفتاری
- ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۸۶، ۱۸۵، ۱۷۵، ۱۲۷  
۱۶۰، ۱۴۸، ۱۱۵، ۱۱۲، ۵، ۱۱۲  
۱۸۶، ۵۲، ۳۲، ۶، ۱۶۴، ۱۶۰، ۱۳۸، ۵۳، ۵۲، ۳۲، ۶  
۱۷۲، ۴۷، ۴۱، ۴۰، ۴۱، ۵۲، ۱۶۱، ۱۶۲  
۱۵۱، ۱۳۱، ۴۳، ۳۲، ۱۹، ۱۳۲، ۶  
۶۷، ۶۷  
۱۷۲
- فعل آمر: ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۱  
 فعل مُتَعَدّدی: ۱۹  
 فعل مُرَكَّب: ۴۰، ۴۱، ۵۲  
 قید: ۱۳۲، ۶  
كلمات سؤالی: ۱۳۱، ۴۳، ۳۲، ۱۹  
كلمات مخالف: ۶۷  
كلمات هم معنی: ۶۷  
گذشته‌ی استمراری: ۱۴۸، ۱۲۶-۱۲۴  
گذشته‌ی جاری: ۱۴۹، ۱۴۸  
گذشته‌ی دور: ۱۰۲-۱۰۰  
گذشته‌ی ساده: ۱۰۰، ۸۳، ۱۸، ۱۷  
۱۷۳، ۱۷۲، ۱۴۸، ۱۲۴، ۱۰۱  
۸۳، ۷۸-۷۶، ۱۵، ۱۵  
گونه‌ی أدبی: ۱۸۸، ۸۸  
گونه‌ی رسمی: ۱۸، ۲۸، ۳۰، ۵۴، ۵۵

---

هم: ۴۷	واژه‌سازی: ۱۶۴
همخوان: ۸، ۱۹، ۴۷، ۹۵، ۷۹، ۱۰۴، ۹۳، ۴۰	واژه‌های غیرفارسی: ۱۸۵
واکه: ۸، ۱۹، ۱۳۱، ۱۰۷	۱۰۷، ۱۰۴، ۹۵، ۴۳، ۴۰
هیچ، هیچ‌گس: ۵۵	۱۳۱، ۱۱۴
یک، یکی: ۵۶	هر، هرگز: ۵۵
یکم، آول: ۱۲۷	هستن ← بودن (مصادرها)

## کتابنامه\*

### منابع فارسی

- آربی، آرتور جان. ۱۹۴۳. تحقیقات و مطالعات انگلیسی‌ها در باب فارسی. ترجمه فرنگیس شادمان. چاپ اول. لندن: شورای فرهنگی بریتانیا.
- آربی، آرتور جان و سیزده تن از خاورشناسان. ۱۳۴۶. میراث ایران. ترجمه شش نفر از مترجمان ایرانی. چاپ اول. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- آیوزیان، ماریا. ۱۳۷۱. واموازه‌های ایرانی میانه‌غیری در زبان ارمنی. چاپ اول. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).
- ابن خلدون. ۱۳۶۳. تاریخ ابن خلدون. ترجمه عبدالمحمّد آیتی. جلد اول. چاپ اول. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابوالقاسمی، محسن. ۱۳۷۴. زبان فارسی و سرگذشت آن. چاپ اول. تهران: انتشارات هیرمند.
- اته، کارل هرمان. ۱۳۵۱. تاریخ ادبیات فارسی. ترجمه صادق رضازاده شفق. چاپ اول. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- احمد سلطانی، منیره. ۱۳۷۲. واژگان فارسی در زبان‌های اروپایی. چاپ اول. تهران: انتشارات آوای نور.

---

\* این فهرست از منابع مورد استفاده در تمام جلد‌های مجموعه تشکیل می‌شود اما در هر جلد، به میزان متفاوتی از آن استفاده شده است.

- امام شوشتري، سيد محمد قدس‌الى. ۱۳۴۷. فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان عربی. چاپ اول.  
تهران: انجمن آثار ملی.
- امين مد니، صادق. ۱۳۶۳. دستور زبان فارسی. چاپ اول. تهران.
- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی. ۱۳۸۰. دستور زبان فارسی. جلد اول. چاپ ۲۴. جلد دوم، چاپ ۲۱. تهران: انتشارات فاطمی.
- الغون، ابراهیم و جمشید درخشان. ۱۳۶۳. فرهنگ ترکی استانبولی به فارسی. چاپ دوم.  
ارومیه: انتشارات انزلی.
- بدوی، عبدالرحمن. ۱۳۷۵. فرهنگ کامل خاورشناسان. چاپ اول. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی.
- براؤن، ادوارد گرانویل. ۱۳۵۱. تاریخ ادبیات ایران از سنتی تا سعدی. ترجمه غلامحسین صدری افشار، چاپ اول. تهران: انتشارات مروارید.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۵۵. تاریخ ادبیات ایران از فردوسی تا سعدی. ترجمه فتح‌الله مجتبایی.  
نیمة نخست. چاپ دوم. تهران: انتشارات مروارید.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۵۶. تاریخ ادبی ایران. ترجمه علی پاشا صالح. جلد اول. چاپ سوم.  
تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- بنویست، امیل. ۱۳۵۴. دین ایرانی بر پایه متن‌های مهم یونانی. ترجمه بهمن سرکاراتی.  
چاپ دوم. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- پوب، آرتور اوپهم. ۱۳۴۶. معماری ایرانی. ترجمه غلامحسین صدری افشار و احمد ایرانی. چاپ اول. تهران: گروه فرهنگی خوارزمی.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۵۵. هنر ایران در گذشته و آینده. ترجمه عیسی صدیق. چاپ اول.  
تهران: مدرسه عالی خدمات جهانگردی و اطلاعات.
- پورنامداریان، تقی. ۱۳۷۸. درس فارسی برای فارسی‌آموزان خارجی (دوره مقدماتی). چاپ سوم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- پیرنیا مشیرالدّوله، حسن و عباس اقبال آشتیانی. دوره تاریخ ایران از آغاز تا انقلاب قاجاریه. چاپ اول. تهران: کتابخانه خیام.
- تکستون، ویلر م. ۱۳۵۶. درآمدی بر دستور زبان فارسی. چاپ اول. تهران: مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها.
- ثمره، یدالله. آموزش زبان فارسی. کتاب اول. چاپ دوم. ۱۳۶۸. کتاب دوم. چاپ دوم. ۱۳۶۹. کتاب سوم. چاپ اول. ۱۳۶۷. کتاب چهارم. چاپ اول. ۱۳۶۸. تهران: اداره کل روابط و همکاری‌های بین‌الملل، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۶۴. آشناسی زبان فارسی. چاپ اول. تهران: مرکز نشر دانشگاهی جمشیدی‌پور، یوسف. ۱۳۴۳. رباعیات حکیم عمر خیام. ترجمه ادوارد فیتز جرالد. چاپ اول. تهران: کتابفروشی فروغی.
- چوهدری، شاهد. ۱۳۷۵. فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان اردو. چاپ اول. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- حقوقی، محمد. ۱۳۷۱. شعر نو از آغاز تا امروز. دوره دو جلدی. چاپ پنجم. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- خاورشناسان فرانسوی. ۱۳۳۷. تمدن ایرانی. ترجمه عیسی بهنام. چاپ اول. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- دباغی مرند، رضا. ۱۳۸۰. روش‌های آموزش زبان فارسی به خارجیان. چاپ اول. تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
- دشتی، علی. ۱۳۸۱. در قلمرو سعدی. چاپ ششم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- دورانت، ویل. ۱۳۶۶. تاریخ تمدن. جلد چهارم. بخش اول. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۳۷. تاریخ تمدن. ترجمه احمد آرام. جلد اول. چاپ اول. تهران: انتشارات فرانکلین.

- دوسخواه، جلیل. ۱۳۴۳. اوستا، نامه مینوی آینه ذشت. چاپ اول. تهران: انتشارات مروارید.
- دهخدا، علی‌اکبر. ۱۳۳۹. امثال و حکم. چاپ اول. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- دیهیم، گیتی. ۱۳۷۹. فرهنگ آوایی فارسی. چاپ اول. تهران: فرهنگ معاصر.
- راولینسون، جرج. ۱۳۴۳. تاریخ هرودوت. ترجمه غ. وحید مازندرانی. چاپ اول. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- رضازاده شفق، صادق. ۱۳۳۵. ایران از نظر خاورشناسان. چاپ اول. تهران: انتشارات اقبال.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۵۲. تاریخ ادبیات ایران. چاپ اول. شیراز: دانشگاه پهلوی.
- ریبکا، یان. ۱۳۵۴. تاریخ ادبیات ایران. ترجمه عیسی شهابی. چاپ اول. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- زیدان، جرجی. ۱۳۵۶. تاریخ تمدن اسلام. ترجمه علی جواهرکلام. دوره پنج جلدی. چاپ پنجم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سپانلو، محمدعلی. ۱۳۷۸. هزار و یک شعر (گزارش شعر نو ایران طی ۹۰ سال). چاپ اول. تهران: نشر قطره.
- ستوده، منوچهر. ۱۳۴۴. فارسی برای انگلیسی‌زبانان. جلد دوم. چاپ اول. تهران: دانشگاه تهران.
- سجادیه، محمدعلی. ۱۳۶۴. واژه‌های ایرانی در زبان انگلیسی. چاپ اول. تهران: بنیاد نیشابور.
- شاردن، ژان. ۱۳۳۸. سیاحتنامه شاردن. ترجمه محمد عباسی. جلد پنجم و ششم. چاپ اول. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شبلي، محمد صدیق‌خان. ۱۳۷۰. تأثیر زبان فارسی بر زبان اردو. چاپ اول. اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- شعار، جعفر. ۱۳۴۴. عربی برای فارسی یا قواعد عربی مستعمل در فارسی. چاپ اول. تهران:

- انتشارات پیروز.
- صادقیان، جلیل بانان. ۱۳۷۷. آموزش زبان فارسی برای غیرفارسی‌زبانان. جلد اول. چاپ دوم. جلد دوم. چاپ اول. تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
- صفا، ذبیح‌الله. ۱۳۴۷. تاریخ علوم و ادبیات ایرانی. چاپ اول. تهران: انتشارات ابن سینا.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۵۰. فرهنگ ایرانی و اثر خارجی آن. چاپ اول. تهران: مدرسه عالی ادبیات و زبان‌های خارجی.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۳۶. تاریخ ادبیات در ایران. جلد اول. چاپ دوم. ۱۳۳۵. جلد دوم. چاپ اول. جلد سوم. چاپ اول. ۱۳۴۱. تهران: کتابفروشی ابن سینا.
- صفار مقدم، احمد. ۱۳۷۲. زبان و ادبیات فارسی در بوسنی-هرزگوین. چاپ اول. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).
- \_\_\_\_\_ ۱۳۸۲. فارسی عمومی، ساختارهای پایه. چاپ دوم. تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
- ضرغامیان، مهدی. دوره آموزش زبان فارسی از مبتدی تا پیشرفته. جلد اول و دوم. چاپ اول. ۱۳۷۶. جلد سوم. چاپ دوم. ۱۳۸۰. تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
- عبدایان، محمود. ۱۳۷۱. درآمدی بر ادبیات معاصر ایران. چاپ اول. تهران: گهر نشر.
- غیاثی، محمد تقی. ۱۳۷۰. واژه‌شناسی زبان فرانسه. چاپ اول. تهران: دانشگاه تهران.
- فرای، ریچارد نلسون. ۱۳۵۸. عصر زبان فرهنگ ایران. ترجمه مسعود رجب‌نیا. چاپ اول. تهران: انتشارات سروش.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۷۳. میراث باستانی ایران. ترجمه مسعود رجب‌نیا. چاپ چهارم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- فردوسي، ابوالقاسم. ۱۳۶۹. شاهنامه فردوسی. تصحیح ژول مول. جلد اول تا چهارم. چاپ سوم. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- فرهنگستان زبان و ادب فارسی. ۱۳۸۱. دستور خط فارسی. چاپ اول. تهران: نشر آثار.

- فریه، ر. دبليو. ۱۳۷۴. هنرهای ایران. ترجمه پرویز مرزبان. چاپ اول. تهران: نشر و پژوهش فرزان.
- کریم‌زاده، منوچهر. ۱۳۷۸. همه حق دارند - گزیده طبیعه‌های ملا ناصرالدین. چاپ دوم. تهران: انتشارات طرح نو.
- کلیاسی، ایران. ۱۳۷۱. ساخت اشتقاقي واژه در فارسي امروز. چاپ اول. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگي (پژوهشگاه).
- گدار، آندره. ۱۳۵۸. هنر ایران. ترجمه بهروز حبibi. چاپ اول. تهران: دانشگاه ملی ایران.
- گروه مؤلفان و مترجمان. فرهنگ خاورشناسان. جلد اول. چاپ اول. ۱۳۷۶. جلد دوم. چاپ اول. ۱۳۸۲. تهران: پژوهشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي.
- گوبينو، ژوزف آرتور، كنت دو. سه سال در ایران. ترجمه ذبیح‌الله منصوری. چاپ اول. تهران: انتشارات فرخی.
- گيرشمن، رومن. ۱۳۵۵. ايران از آغاز تا اسلام. ترجمه محمد معين. چاپ اول. تهران: بنگاه ترجمه و نشر كتاب.
- لوبون، گوستاو. ۱۳۵۸. تمدن اسلام و عرب. ترجمه سیدهاشم حسيني. چاپ سوم. تهران: كتابفروشی اسلاميّه.
- مصاحب، غلامحسين. دایرة المعارف فارسي. جلد اول. چاپ سوم. ۱۳۸۱. جلد دوم، بخش اول. چاپ سوم. ۱۳۸۱. جلد دوم، بخش دوم. چاپ دوم. ۱۳۸۱. تهران: مؤسسه انتشارات اميركبير.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۵۷. خدمات متقابل اسلام و ایران. چاپ نهم. قم: انتشارات صدرا.
- مقناح، الهمه و وهاب ولی. ۱۳۷۴. نگاهي به روند نفوذ و گسترش زبان و ادب فارسي در ترکيه. چاپ اول. تهران: شوراي گسترش زبان و ادبیات فارسي.
- ملک‌پور، ايرج. ۱۳۸۰. نقويم تطبيقي. چاپ اول. تهران: انتشارات پرشکوه.
- موسوي، منوچهر. ۱۳۷۹. فرهنگ منظوم و متعدد ضرب المثل‌های فارسي و معادل انگلیسي

- آنه‌ا. چاپ اول. تهران: نشر الکترونیکی و اطلاع‌رسانی جهان رایانه.
- نصر، سیدتقی. ۱۳۵۰. ابدیت ایران از دیده خاورشناسان. چاپ اول. تهران: چاپخانه کیهان.
- هدایت، صادق. ۱۳۵۶. توانه‌های خیام. چاپ دوم. تهران: انتشارات جاویدان.
- هگل، گوئرک ویلهلم فردوسی. ۱۳۳۶. عقل در تاریخ. ترجمه حمید عنایت. چاپ اول.
- تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی شریف.
- هوار، کلمان. ۱۳۶۳. ایران و تمدن ایرانی. ترجمه حسن انوشة. چاپ اول. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- یوسفی، غلامحسین. ۱۳۵۱. مجموعه سخنرانی‌های دومن کنگره تحقیقات ایرانی (سیمای ادبیات فارسی معاصر). جلد اول. چاپ اول. مشهد: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد.

### منابع لاتین

- Allen, Virginia French. 1983. *Techniques in Teaching Vocabulary*. 1st print. England: Oxford University Press.
- Arberry, Arthur John. 1967. *Classical Persian Literature*. 2nd print. England: George Allen & Unwin Ltd.
- Brown, H. Douglas. 1987. *Principles of Language Learning and Teaching*. 2nd edition. U.S.A.: San Francisco State University.
- Elwell-Sutton, L. P. 1963. *Elementary Persian Grammar*. 1st print. England: Cambridge University Press.
- Lambton, A.K.S. 1976. *Persian Grammar*. 9th print. England: Cambridge University Press.
- Larsen-Freeman, Diane. 1986. *Techniques and Principles in Language*

- Teaching*. 1st print. England: Oxford University Press.
- Mahootian, Shahrzad. 1997. 1st print. *Persian*. England: Routledge.
- Morton, Rosalie Slaughter. 1940. 1st print. *A Doctor's Holiday in Iran*.  
England and U.S.A.: Funk & Wagnalls Company.
- Obolensky, Serge & Kambiz Yazdan Panah. 1973. 1st print. *Spoken Persian*. U.S.A.: Spoken Language Services, Inc.
- Raimes, Ann. 1983. *Techniques in Teaching Writing*. 1st print. England:  
Oxford University Press.
- Richards, Jack C. and Theodore S. Rodgers. 1990. *Approaches and Methods in Language Teaching*. 6th print. England: Cambridge University Press.
- Widdowson, H.G. 1990. *Aspects of Language Teaching*. 1st print.  
England: Oxford University Press.

## \* واژه‌نامه‌ی فارسی به انگلیسی\*

freedom.....	آزادی	آزادی
sky.....	آسمان [آسِمون]	aquatic; blue..... آبی
an acquaintance.....	آشنا <sup>۱</sup> اسم	آثار؛ جمیع آثار
acquainted.....	آشنا <sup>۲</sup> صفت	dried fruits and nuts..... آجیل
to get acquainted..... (با)	آشنا شدن (با)	end..... آخر <sup>۱</sup> ایسم
acquaintance.....	آشنایی اسم معنی	last..... آخر <sup>۲</sup> صفت
Well done!	آفرین!	why..... آخر <sup>۳</sup> [آخه] قید
Russian.....	آلکسی خیسماتولین	Brazilian female student..... آدرین
professor of Persian language and literature		mausoleum, ..... آرامگاه [h] / آرامگاه
		resting-place, tomb
a city in northern Iran.....	آمل	wish..... آرزو
	آموختن - آموز رسمی	to wish..... آرزو گردن
to learn; to teach		yes..... آره گفتاری
learning; teaching.....	آموزش	free; open..... آزاد

\* این واژه‌نامه شامل ۵۱۲ واژه اصلی درس‌ها و حدود ۱۷۵ واژه مربوط به اشخاص، اماکن و توضیحات است. لغات جلد اول در این جلد تکرار نشده مگر تعدادی از لغات دستوری و ساختاری در توضیحات که به عنوان واژه اصلی در جلد دوم به کار رفته‌اند.

cheaply.....	آرزان <sup>۲</sup> قید [آرزوں]	German female student..... آناهیتا
value.....	آرژش	آوردن - آور [آوردن - میازم] to bring.
valuable.....	آرژشمند	آورده شدن to be brought..... آورده شدن
European.....	اُروپایی	آهنگ intonation..... آهنگ
a city in Lorestan.....	آذنا	آیندہ <sup>۱</sup> یسم future..... آیندہ <sup>۱</sup> یسم
pool.....	استخر	آیندہ <sup>۲</sup> صفت coming, next..... آیندہ <sup>۲</sup> صفت
rest.....	استراحت	
to rest.....	استراحت کردن	ابن سينا Avicenna: Iranian..... ابن سينا
to be used.....	استفادہ شدن	philosopher and physician
welcome.....	استقبال	آثار (جمع: آثار، آثارها) monument..... آثار
to welcome.....	استقبال کردن	اجازہ permission..... اجازہ
continuous.....	استمراری	اجازہ دادن to permit..... اجازہ دادن
banknote.....	اسکناس	احترام respect..... احترام
ski.....	اسکی	احمدی Iranian family name..... احمدی
Islam.....	اسلام	ادامہ continuation..... ادامہ
Islamic.....	اسلامی	ادامہ دادن to continue..... ادامہ دادن
nominal.....	اسمی	ادبی literal..... ادبی
mistake.....	اشتباه [اشتباه] (جمع: اشتباهات، اشتباهها)	آدیبات literature..... آدیبات
	آشعار: جمع شعر	ادموند هرزلیگ English..... ادموند هرزلیگ
difficulty.....	اشکال	professor of Persian language and literature
	(جمع: اشکالات، اشکالها)	ارتفاع [ارتفاع]
expression, term.....	اصطلاح	height..... ارتفاع آرزان <sup>۱</sup> صفت [آرزوں] cheap..... آرزان <sup>۱</sup> صفت

a shrine in Aznā.....	إمام زاده قاسم	(جمع: اصطلاحات، اصطلاح‌ها)
a shrine.....	إمام زاده مُحَمَّد مَحْرُوق	أصل
in Neyshābur		أصلي
a shrine.....	إمام زاده هَلَالِ بْنِ عَلَى	أطراف: جمع طَرَف
in Kāshān		اطلاع (جمع: اطلاعات)
this year.....	إمسال	اطلاع دادن
tonight.....	إمشب	آفغانستان
signature.....	إمضا	إقامة
to sign.....	إمضا كَرَدن	إقامةت کردن
possibility.....	إمكان	آکتوں رسمی
to be possible.....	إمكان داشتن	آلآن [آلآن]
hope.....	أمید	آلبيه
hopeful.....	أمیدوار	آلبرز
pomegranate.....	أنار	in Northern Iran
to throw.....	آنداختن - آنداز [می نَدَازَم]	امام
man, mankind.....	إنسان	إمام زاده
[إنشاء الله /enšāal'lāh/]		شrine where the descendant of
If God will, I hope		an iman is buried
England.....	إنگلستان، إنگلیس	إمام زاده أبو جعفر
Everest.....	اورست	إمام زاده حَمْزَه
Ukranian.....	اوکراینی	إمام زاده صالح
first.....	أوّلين	إمام زاده طاهر
importance.....	أهميةت [آهمیت]	إمام زاده عبد الله

Brazil	برزیل	to stand	ایستادن
Brazilian	برزیلی	[وا]ستادن، وا[می ستم]	
snow	برف	station	ایستگاه [ه/[ایستگاه]
to return ..... /'bargard/ - برگرد	برگشتن		<b>ب</b>
programme	برنامه	Iranian poet	باباطاھر
the great	بُزرگان	time, occasion; luggage	بار
highway	بُزرگراه [ه/[بُزرگراه]	rain	باران [بارون]
basketball	بسکتبال	to rain	باریدن - بار
many, much, very	بِسیار	bazaar, market	بازار
rest, remainder	بَقیه [بَقیه]	game; playing	بازی
to know	بَلَد بودن	to play	بازی کردن
ticket	بِلیٹ / بِلیط [بیلیت / بیلیط]	ancient	bastani
violet	بنفش	garden	باغ (جمع: باغ‌ها، باغات)
kiss	بوسه	little garden	باغچه
named,	به اسم /'esme/	to weave	بافن - باف
of the name of		up	بالا
for this reason	به این دلیل	bank	بانک
excellent	به به /'bahbah/	gift	بخشنیش
better	بِهتر	appositive	بدل
best	بِهترین	comparative (adj); better	برتر
instead of	به جای /'jāye/	superlative (adj); best	برترین
by	به دست /'daste/	tower	برج
by reason of	به دلیل /da'lile/	to carry, to take	بردن - بر

king	پادشاه /h/pādshāh/ [پادشاھ]	in the shape of ..... /ʃekl/ بِه شکلِ	
last year	پارسال	to be reckoned ..... به شمار رفتن رسمی	
park	پارک	in the form of ..... /su'rate/ بِه صورتِ	
capital	پایتخت [پایتخت]	towards ..... /ta'rafe/ بِه طرفِ	
down	پایین	to be used ..... به کار رفتن	
to cook	پُختن - پز	named, ..... /nāme/ به نامِ رسمی	
entertainment	پذیرایی	of the name of ..... به نظرِ	
reception	پذیرش	in the opinion of ..... /na'zare/ بِه همِ	
to accept	پذیرفتن - پذیر	each other ..... بی پیشوند	
full	پُر	without, -less ..... بیش.	
parenthesis	پرانتز	more ..... بیشتر	
orange	پُرتقال	more; more often ..... بیشترین	
to ask	پُرسیدن - پرس	most ..... بیمار ایسم	
day before yesterday	پریروز	a patient ..... بیمار ۱ صفت	
night before last night	پریشب	sick, ill ..... بیمار ۲ صفت	
suffix	پسوند	hospital ..... بیمارستان	
old	پیر	to become ill ..... بیمار شدن	
old age	پیری	illness ..... بیماری	
pyjamas	پیژامه	tasteless ..... بی مزه	
prefix	پیشوند	between ..... بین	
ت		international ..... /beynol-/ بین‌المللی	
summer	تابستان [تابستون]	saltless ..... بی‌نمک	
tableau	تابلو	ب	
Ukrainian	تاتیانا مالنکایا	foot ..... پا	

presence.....	شَرِيفَ رَسْمي	professor of Persian language
to come.....	شَرِيفَ آورَدنَ رَسْمي	and literature
to go.....	شَرِيفَ بُرْدنَ رَسْمي	تاجیکستان.....
to be.....	شَرِيفَ داشْتنَ رَسْمي	تا حالا.....
formation.....	شَكْيلَ	تاریخی.....
to be formed.....	شَكْيلَ شُدَنَ	تاریک.....
thirsty.....	شِيشَه	darkness.....
correction.....	تصحیح [تصحیح]	تازِه.....
to correct.....	تصحیح کرَدنَ	تالار.....
change n. (جمع: تغییرات، تغییرها).....	تَغْيِير (جَمْع: تَغْيِيرات، تَغْيِيرهَا)	تب.....
almost.....	تقريباً /-ban/	تجارت.....
stress.....	تِکِيه	تجريش.....
bitter.....	تلخ	a region.....
pronunciation.....	تَلْفُظ	in northern Tehran
to be pronounced.....	تَلْفُظَ شُدَنَ	تحصیل [تحصیل]
television.....	تِلُوِيزِيون	education, study.....
cable-car.....	تِلَهِ كَابِين	تحصیل کرَدن.....
contact.....	تماس	educational.....
to contact,.....	تماس گِرفَتن (با)	ترتبیب.....
to get in touch with		order.....
watch.....	تماشا	ordinal.....
to watch.....	تماشا کرَدن	ترش.....
all; complete, finished.....	تمام [تموم]	Turkman.....
		تُرکمن.....
		combination.....
		ترکیب.....
		(جمع: ترکیبات، ترکیب‌ها)
		to combine.....
		ترکیب کرَدن.....

young	جوان [جوون]	to finish.....	تَمامَ كَرْدَن
world.....	جهان	civilization.....	تَمَدُّن
	<b>ج</b>		تمرين کردن.....
left.....	چپ	to exercise.....	تَمْرِين
eye.....	چشم <sup>۱</sup> آذى = چشم	clean.....	تَمْيِيز
all right, with pleasure.....	چشم <sup>۲</sup>	one of the peaks of Alborz.....	تُوچُجال
cheque.....	چك	mountains in northern Tehran.....	تَهْرَان
of what occupation.[چیکاره]	چکاره [چیکاره]	a mountain top.....	توموری
how.....	چگونه رسمی [چطور، چطوری]	near Everest.....	
	<b>ج</b>		
چله ← شب يلدا		flowing, progressive.....	جاری
which (of a certain number)	چندم	interesting.....	جَالِبٌ صَفَّت
what.....	چه چیز، چه چیزی [چی]	interestingly.....	جَالِبٌ قَيْد
who.....	چه کسی (جمع: چه کسانی)	life, soul;.....	جان [جون]
riddle.....	چیستن (چیست آن؟)	a term of endearment.....	
	<b>ح</b>		
Iranian poet.....	حافظ	Dutch.....	جان ترهارد
certainly.....	/-man/ حَتَّماً	professor of Persian language	
even.....	/hattā/ حَتَّى	and literature.....	
omission.....	حَذْف	modern.....	جَدِيد
to be omitted.....	حَذْفُ شُدَّن	feast.....	جَشْن
article.....	حرف تعریف دستور	population.....	جَمْعِيَّت [جَمْعِيَّتَهَا]
to talk.....	حرف زَدَن	republic.....	(جمع: جَمْعِيَّتَهَا)
shrine.....	حرَم	war.....	جمهوری
			جنگ

saying goodbye.....	خُداحافظی	account.....	حساب
to say goodbye.....	خُداحافظی کردن	His/ Her Holiness:.....	حضرت <sup>۱</sup>
date.....	خرما	a title of respect used before	
tired.....	خسته	the name of Islam prophet and	
line; writing.....	خط	his house	
cool.....	خنک	a title of respect.....	حضرت <sup>۲</sup> رسمی
drooping.....	/xābi'lde/ خوابیده	used before the name of any	
to be cured.....	خوب شدن	gentleman	
self; own.....	خود	/abdol?a'zim/ حضرت عبد العظیم	
eatable.....	خوردنی	a shrine in Rey	
cheerful.....	خوش	solution.....	حل
happy.....	خوشحال	to solve.....	حل کردن
	خوش گذشتن (به)	bath; bathroom.....	حمام [حَمّام]
to have a good time		Muslim male name.....	حمزه
Iranian astronomer,.....	خیام	<b>خ</b>	
mathematician and poet		out, outside.....	خارج
<b>د</b>		foreigner.....	خارجی <sup>۱</sup> اسم
inside.....	داخل اسم	foreign.....	خارجی <sup>۲</sup> صفت
inside.....	داخل /dā'xele/ خرفِ اضافه	khaki.....	خاکی
to have,.....	دارای ... بودن رسمی	empty.....	خالی
to possess		a native or.....	خُجندی
medicine.....	دارو	inhabitant of Khojand, a city in	
pharmacy.....	داروخانه [داروخونه]	Uzbekistan	

prayer.....	دُعا.....	skirt.....	دامن.....
to pray.....	دُعا کردن.....	science.....	دانش.....
invitation.....	دعوت [دَعَوْت].....	faculty.....	دانشکده.....
to be invited.....	دعوت شدن.....	scientist.....	دانشمند.....
to invite.....	دعوت کردن.....	British male student.....	دانیل.....
notebook.....	دَفَرْچِه.....	circle.....	دایره.....
doctorate.....	دُكْتُری.....	circular.....	دایره‌ای.....
stomach.....	دِل.....	degree.....	درجه.....
dollar.....	دلار.....	tree.....	درخت [درَخْت].....
دَلَالِیل؛ جَمِع دَلَالِیل		ache.....	درد.....
reason.....	دلیل (جمع: دَلَالِیل، دَلَلِیل‌ها).....	inside.....	در داخل /dā'xel/.....
the highest point.....	دَمَاؤِند.....	to ache.....	درد کردن.....
of Alborz mountains, and the highest summit in Iran	دَنْدَان [دَنْدَون].....	to be made.....	درست شدن.....
tooth.....	دَنْدَان [دَنْدَون].....	to teach.....	درس دادن.....
course, period.....	دُورِه /ow/.....	opposite.....	در مقابل /moqā'bele/.....
friendly.....	دوستائِه.....	in fact.....	در واقع.....
second (2nd).....	دُومُم.....	in the .....	در وسط /va'sate/.....
mouth.....	دَهَان [دَهَن].....	middle of.....	دریا.....
anything.....	دیدنی <sup>۱</sup> اسم.....	sea.....	دریاچه.....
interesting to see.....	دیدنی <sup>۲</sup> صفت.....	lake.....	دست [دَسْت].....
interesting to see.....	دیدنی <sup>۲</sup> صفت.....	hand.....	lavatory [دَسْتِشُوْبِي].....
religion.....	دین.....	enemy.....	دُشمن.....

## ز

to beat	زَدَن (کسی را) – زَن	convenient	راحت
to utter	زَدَن (حرف) – زَن	Razis:	رازی <sup>۱</sup>
yellow	زَرد	Iranian physician and chemist	
Muslim male name	زَكْرِيَا	a native	رازی <sup>۲</sup>
winter	زِمْسْتَوْن [زمستون]	or inhabitant of Rey	
ground	زَمِين	right	راست [راست]
woman; wife	زَن	truth	راستی <sup>۱</sup> ایسم
Chinese	زن یان شن	really, truly	راستی <sup>۲</sup> قید
professor of Persian language and literature		to drive	راندَن – ران [رونَدَن – رون]
pilgrimage; visit	زیارت	راندِگان؛ جمیع راندِه	
to go on pilgrimage;	زیارت گردن	driver	راندِه (جمع: راندِگان، راندِه‌ها)
to visit		way	[راه] راه / h / راه
shrine;	زیارتگاه [زیارتگاه]	to walk	راه رفتن
place of pilgrimage		quarter	[ربع] رُبع
beautiful	زیبا		رسانَدَن – رسان [رسونَدَن – رسون]

## س

building	ساختِمان [ساختِمون]	to cause to reach	رشته
to build	ساختن – ساز	branch	رنگ
to be built	ساخته شُدَن	colour	
saloon, hall	سالُن	altogether	[رو هم] رو هم
green	سبز	an old city	ری
		located in southern Tehran	
		to pour	ریختن – ریز

full.....	سیر.	light.....	سبک.
cinema.....	سینما.	star.....	ستاره.
	ش	column.....	ستون.
poet.....	شاعر (جمع: شاعران، شعراء)	difficult, hard.....	سخت [سخت].
	شامل ... شدن / بودن رسمی	head.....	سر.
to consist of		ceramics.....	سرامیک.
king.....	[شاه] / h/ [شاه]	red.....	سرخ.
perhaps.....	/'sāyad/ شاید	cold.....	سرد.
	شبِ یَلْدَا فارسی + عَرَبِی = شبِ چَلَه فارسی	Iranian poet.....	سعدی.
the longest night of the year		Egyptian..... /as'sabbāq/ سعید آصیان	
person.....	شخص	professor of Persian language	
personal.....	شخصی	and literature	
severe.....	شدید <sup>۱</sup> چیقت	embassy.....	سفارت.
severely.....	شدید <sup>۲</sup> قید	white.....	سفید.
participation.....	شِرکت.	سلام عَلَيْكُم [سلام عَلَيْكُم]	سلام عَلَيْكُم.
to participate in.....	شِرکت گرَدَن در	peace be with you	
to begin vi.....	شروع شدن	age.....	سن.
to wash.....	شُستن - شو [شور]	tradition.....	سنّت.
branch.....	شُعبه	traditional.....	سنّتی.
poem.....	شعر (جمع: شعرها، آشعار)	heavy.....	سنگین.
	شُعرا: جَمِع شاعر	interrogative.....	سوالی.
sugar.....	شکر	third.....	سوم.
to break.....	شکستن - شکن	black.....	[سیاه]

gold.....	طلا	broken.....	شکسته
length.....	طول	trousers.....	شلوار
	<b>ع</b>	reckoning; number.....	شمار
normal.....	عادی	to count.....	شمردن - شمار [می‌شمارم]
excellent.....	عالی	swimming.....	شنا
	عبدالعظیم /abdol?at?zim/		شناختن - شناس [می‌شناسم]
Muslim male name		to recognize, to know	
عبدالودود آظهر دھلوی /abdolva'ddu/		recognition.....	شناسایی
Indian professor of Persian language and literature		to hear.....	شنیدن - شنو [می‌شنوم]
number.....	عدد	salty.....	شور
dear.....	عزیز	husband.....	شوهر /ow/
love.....	عشق	sweet.....	شیرین
afternoon; evening.....	عصر	sweet; sweetness.....	شیرینی
attachment, interest.....	علاقه		<b>ص</b>
interested.....	علاقهمند	clear.....	صف
tick, check mark.....	علامة	Muslim male name.....	صالح
to tick, to check.....	علامة زدن	to call.....	صدا کردن
a cave near Hamedān.....	على صدر	exclamatory.....	صوتی /ow/
title.....	عنوان	face; form.....	صورت
	<b>غ</b>		<b>ض</b>
cave.....	غار	proverb.....	ضرب المثل
non.....	غير	side.....	طرف (جمع: آطراف، طرفها)

verbal	فعلی	non-Iranian	غیر ایرانی
thought	فکر [فکر]	informal	غیر رسمی
to think	فکر کردن [فکر]		<b>ف</b>
	فهمیدن - فهم [فهمیدن]	distance	فاصله
to understand		forgotten	فراموش
film, movie	فیلم	to forget	فراموش کردن
		American	فرانکلین لوئیس
		professor of Persian language and literature	فرددوسی /ow/
the dynasty	قاجار	Iranian poet	فرزاده
ruling over Iran from 1779 to 1925 AD	قاجار	Iranian female name	فرزانه
before	قبل از /-lan/	to send	فرستادن - فرست [می فرستم]
to accept	قبول کردن	carpet	فرش
the Koran	قرآن	secondary	فرعی
to be situated	قرار داشتن رسمی	difference	فرق
red	قرمز	to be different	فرق داشتن
century	قرن	to make difference	فرق کردن
division	قسمت	order, command	فرمایش
train	قطار	to bid, to order	فرمودن - فرما
summit, top	قله	airport	[فروندگاه] /h/
brown	قهوه‌ای	culture	فرهنگ
		cultural	فرهنگی
palace	کاخ	season	فصل
cash card, ATM card	کارت پول		

**ک**

walk.....	گردش	caravan.....	کاروان
to walk.....	گردش کردن	caravanserai.....	کاروانسرای
hungry.....	[گُرسنه، گشنه]	a city located.....	کاشان
warm.....	گرم	about 250 km south of Tehran	
group.....	گروه / h/ (جمع: گروه‌ها)	completely, perfectly...../-lan/	کاملاً
dialogue.....	گفتگو	coat.....	کت
to discuss.....	گفتگو کردن	inscription.....	کتیبه
flower.....	گل	dirty.....	گشیف
throat.....	گلو	shoe.....	کفش
Achaemenian.....	گنج نامه	help.....	کمک
inscriptions near Hamedān;		to help.....	کمک کردن
name of the place		little by little.....	کم کم
variant.....	گونه	short-term [کوتاه مدت]	کوتاه مدت

**ل**

to need.....	لازم داشتن	لاره نوردي [کوه نوردي]
tulip.....	لاله	mountain-climbing
a village.....	لله جین	kilo.....
near Hamedān, famous as the centre of pottery industry		کیلومتر

Lebanon.....	لبنان	passport.....	گذرنامه
Lebanese.....	لبنانی	to pass.....	گذشتن - گذار [می گذرم]
to enjoy.....	لذت بودن (از)	expensive.....	گران <sup>۱</sup> صفت [گردون]
a province in western Iran.....	لرستان	expensively.....	گران <sup>۲</sup> قید [گردون]

**گ**

collection; complex.....	مجموعه.....	kindness.....	لطف.....
passive.....	مجهول.....	Poland.....	لهستان.....
antonym.....	مخالف.....	Polish.....	لهستانی.....
different.....	مُخَتِّف.....		م
special.....	مخصوص.....	grandmother.....	مادربرگ.....
specially.....	/-san/ مخصوصاً.....		(جمع: مادربرگ‌ها)
	مدارس: جمیع مدارس.....	a village.....	ماسوله.....
period.....	مُدْت.....	in northern Tehran.....	
school.....	مَدْرِسَه.....	machine; car.....	ماشین.....
	(جمع: مدارسها، مدارس)	to stay.....	ماندن - مان [موندن - مون]
	مراکز: جمیع مرکز.....	an equal.....	مانند اسم.....
square.....	[مُرَبّع] مُرَبّع.....	like.....	مانند /mānande/ خرفِ اضافه
related (to).....	مریبوط (به).....	month.....	ماه /h/
relavent.....	مُرَبِّط.....	amount (of money).....	مبلغ.....
man.....	مرد.....	sorry.....	متأسف.....
compound.....	مرَكَب.....	metre.....	متر.....
centre.....	مرکز (جمع: مراکز، مرکزها).....	transitive.....	متعددی.....
taste.....	مزه.....	different.....	متفاوت.....
surface.....	مساحت.....	complement.....	مُتَّمِم.....
traveller.....	مسافر.....	positive.....	مثبت.....
travelling.....	مسافرت.....	an equal.....	مثُل اسم.....
to travel.....	مسافرت کردن.....	like .....	مثُل [mesle/ خرفِ اضافه
straight.....	مستقیم.....	assembly.....	مجمع.....

national	ملی	common	مشترک
possible	ممکن	infinitive	مصدر
thankful	منون	Egypt	مصر
secretary	منشی (جمع: منشی‌ها)	Egyptian	مصری
museum	موزه	according to	مطابق/ <i>motā'beqe</i>
music	موسیقی	positive (adjective)	مطلق (صفت)
relative	موصول / اسم <i>mow'sul</i>	contemporary	معاصر
relative	موصولی / صفت <i>mowsu'li</i>	examination	معاینه [معاینه]
theme	موضوع [موضع <i>mow'zu?</i> ]	to examine	معاینه کردن [معاینه]
successful	موفق	excuse, apology	معذرت
success	موفقیت [موفقیت <i>mo'qiqit</i> ]	to apologize	معذرت خواستن
time	موقع / [موقع <i>ow/</i> ]	introduction	معرفی
when	موقعی / که <i>/ow/</i>	to introduce	معرفی کردن
Iranian poet	مولوی	famous	معروف
migration	مهاجرت	active	معلوم
to migrate	مهاجرت کردن	enigma	معتماً
an airport in Tehran	مهرآباد	architecture	معماری
important	مهم	meaning	معنی
guest	میهمان = میهمان [مهمنون]	opposite	مقابل / <i>moqā'bele</i>
party	میهمانی = میهمانی [مهمنوی]	comparison	مقایسه
intermediary	میانجی	to compare	مقایسه کردن
Polish male student	میخال	nation	میلت (جمع: میلت‌ها، میل)
birth	میلاد		میل: جمیع میلت

dotted line .....	نقاطه‌چین	million .....	میلیون [مليون]
present perfect .....	نقلى (گذشته)	fruit .....	میوه
look .....	[نگاه، نیگا]	fruit-shop .....	میوه‌فروشی
to look .....	نگاه‌کردن	.....	مهمان $\leftarrow$ مهمان
prayer .....	نماز	.....	میهمانی $\leftarrow$ مهمانی
to perform .....	نماز خواندن	.....	<b>ن</b>
one's prayers .....	.....	ignorant .....	نادان [نادون]
salt .....	نمک	ignorance .....	نادانی [نادونی]
.....	نوش جان [نوش جون]	no .....	نخیر
May it be wholesome for you!	.....	vow .....	تذر
neither ... nor ... .....	نه ... (و) نه ...	to vow .....	تذر کردن
prohibitive; .....	نهی	close relatives and friends .....	نزدیکان
negative imperative .....	.....	Persian hand-writing .....	ستعلیق
an area .....	نیاوران	prescription .....	نسخه
in northern Tehran .....	.....	credit .....	نسیبه
a city in northeastern Iran .....	نیشابور	sign; symbol .....	نشان [شون]
<b>و</b>		to show; to indicate .....	نشان دادن
arrived, entered .....	وارد	indicator; symbol .....	نشان‌دهنده
to enter .....	وارد شدن	painting .....	نقاشی
vocabulary .....	واژگان؛ جمع واژه	.....	نقطه: جمع نقطه
word .....	واژه (جمع: واژه‌ها، واژگان)	cash .....	نقد
word-making .....	واژه‌سازی	dot; point; place .....	نقطه
dictionary .....	واژه‌نامه	(جمع: نقطه‌ها، نقاط)	

هرگز [هَرْكَس]	/harkas/ [هَرْكَس]	everybody, everyone	واقع <sup>۱</sup> [واقع] اسم
never	هَرَيْزَ	whenever	واقع <sup>۲</sup> [واقع] صفت
Holland	هُنْدَنْد	Dutch	والبیال
coordinate	هَمْبَايِه	a highway in Tehran	وُجُود
also, too	هَمْجِنِین	accompanyed	وُجُود داشتن
cognate	هَمْخَانواده	together with	ورژش
synonym	هَمْمَعْنَى	both ... and ...	ورژش کردن
always	هَمِيشَه	watermelon	وسَطِ اسْم
art	هُنْر	亨德溫 [هِنْدُونَه]	وسَطِ حرف اضافه /va'sate/
artist	هُنْرَمَند		in the middle of
artistic	هُنْرِی		and so forth
Brazilian	هِنْرِیک شیورِسکی		وَغَيْرِه
professor of Persian language and literature			وقتی که [وَحْتَی کَه]
still; yet	هَنْوز		but
			/vali/ ولی
			لیکِن ویکُتور
			professor of Persian language
			and literature
			۵
			هاروکا
			هُتل
			آخامنیشی
			آخامنیان
			هَرْجِیز [هَرْجِی]
			هَرْ دُو

either ... or ...	یا ... (و) یا ...	weather	هوای
a province in.....	یزد	aeroplane	هواپیما
central Iran, west of Esfahan;		none	هیچ
also the centre of the province		nothing.....[هیچچیز /'hiččiz/]	هیچچیز
first.....	یکم فارسی	nobody, no one.....[هیشکی /hiški/]	هیشکی
one by one.....	یکی یکی	never.....[هیچ وقت /hičči wət/]	هیچ وقت
	یلدا ← شب یلدا		یاد گرفتن
		to learn.....	یاد گرفتن

**ی**

wear inf.....	پوشیدن – پوش	winter.....	زمستان [زِمستون]
weather .....	هوا	wish <sup>1</sup> n.....	آرزو
weave inf.....	بافتن – باف	wish <sup>2</sup> inf.....	آرزوکردن
welcome <sup>1</sup> n.....	استقبال	without.....	بی پیشوند
welcome <sup>2</sup> inf.....	استقبال کردن	with pleasure.....	چشم
Well done!.....	آفرین!	woman.....	زن
what qw.....	چه چیز، چه چیزی [چی]	word.....	واژه (جمع: واژه‌ها، واژگان)
when conj....	موقعي که، وقتی که [وختی]	word-making.....	واژه‌سازی
whenever.....	هر وقت [هر وقت]	world.....	جهان
which qw.....	چندم	writing.....	خط
(of a certain number)		<b>Y</b>	
white.....	سفید	yellow.....	زرد
who qw.....	چه کسی (جمع: چه کسانی)	yes.....	آره گفتاری
why .....	آخر [آخر] قید	yet.....	هنوز
wife.....	زن	young.....	جوان [جوون]

trade	تجارت	value	ارزش
tradition	سنت	variant	گونه
traditional	سنتی	verbal	فعال
train	قطار	very	بسیار
transitive	متعددی	violet	بنفش
travel inf	مسافرت کردن	visit <sup>1</sup> n	زيارة رسمی
traveller	مسافر	visit <sup>2</sup> inf	زيارة کردن رسمی
travelling	مسافرت	vocabulary → word	واژگان
tree	[درخت]	volleyball	والبیال
trousers	شلوار	vow <sup>1</sup> n	نذر
truly	راستی	vow <sup>2</sup> inf	نذر کردن
truth	راستی	W	
tulip	لاله	pیشخدمات (جمع: پیشخدمات‌ها)	پیشخدمات
Turkman	ترکمن	walk <sup>1</sup> n	گردش
U		walk <sup>2</sup> inf	راه رفتن، گردش کردن
Ukrainian	اوکراینی	walking	پیاده‌روی
understand inf	فَهَمِيْدَن - فَهَمْ [فَهَمِيْدَن]		جنگ
until now	تا حالا	war	warm
up	بالا	wash inf	شستن - شو [شور]
utter inf	زدن - زن (حرف)	watch <sup>1</sup> n	آماشا
V		watch <sup>2</sup> inf	آماشا کردن
valuable	ارزشمند	watermelon	هندوانه [هندونه]
		way	راه / راه [راه]

sweet.....	شیرین صفت؛ شیرینی اسم	the great.....	بُزرگان
sweetly.....	شیرین	theme.....	مُوضوٰع / <i>mow'zu?</i> [مُوضوٰع]
severely.....	شدید	think inf.....	فکر کردن [فکر]
sweetness.....	شیرینی	third.....	سُوم
swimming.....	شنا	thirsty.....	تَشِّهِي
symbol.....	نشان [نشون].....	this year.....	إمسال
	نشان دَهْنِدَه [نشون دَهْنِدَه]	thought.....	فکر [فکر]
synonym.....	هم‌معنی	throat.....	گلو
<b>T</b>			
tableau.....	تابلو	throw inf.....	آنداختن – آنداز [می‌ندازَم]
Tajikistan.....	تاجیکستان	tick n.....	علامت
take inf.....	بردَن – بر	tick inf.....	علامت زَدَن
talk inf.....	حرف زَدَن	ticket.....	بِلِيت / بِلِيط [بیلیت / بیلیط]
taste.....	مزِه	time.....	بار، مُوقَع / <i>ow/</i> [مُوقَع]
tasteless.....	بِيْ تِزِه	tired.....	خسته
teach inf.....	آموختَن – آموز رسمی،	title.....	عنوان
	درس دادَن	together with.....	همراه / <i>h/ با</i>
teaching.....	آموزش	tomb.....	آرامگاه / <i>h/ آرامگاه</i>
television.....	تلوزیون	tonight.....	إمشب
term.....	اصطلاح	too.....	همچنین / <i>/hamčenin/</i>
	(جمع: اصطلاحات، اصطلاح‌ها)	tooth.....	ذندان [ذندون]
term of endearment.....	جان [جون]	top.....	قُلَه
thankful.....	ممون	towards.....	بِ طَرَف / <i>/ta'rafe/</i>
		tower.....	برج

severely.....	شدید	square.....	مُرَبِّع [مریغ]
shirt.....	پیراهن [پیرن]	stand inf.....	ایستادن
shoe.....	کفش	[وایستادن، واهمی ستم]	
short-term.....	کوتاه‌مدت [کوتاه‌مُدت]	star.....	ستاره
show inf.....	نشان دادن	station.....	ایستگاه /h/[ایستگاه]
shrine.....	حرام؛ زیارتگاه [زیارتگاه]؛ امامزاده	stay <sup>1</sup> n.....	إقامة
sick.....	بیمار	stay <sup>2</sup> inf.....	إقامة کردن،
side.....	طرف (جمع: آطراف)		ماندند - مان [موندند - مون]
sign <sup>1</sup> n.....	نشان [نشون]	still.....	هنوز
sign <sup>2</sup> inf.....	امضا کردن	stomach.....	دل
signature.....	امضا	straight.....	مستقیم
ski.....	اسکی	stress.....	تکیه
skirt.....	دامن	study <sup>1</sup> n.....	تحصیل [تحصیل]
sky.....	آسمان [آیسمن]	study <sup>2</sup> inf.....	تحصیل کردن
snow.....	برف	suburbs.....	اطراف: جمع طرف
solution.....	حل	success.....	موفقیت [موقفیت]
solve inf.....	حل کردن	successful.....	موفق
sorry.....	متأسف	suffix.....	پسوند
soul.....	جان [جون]	sugar.....	شکر
sour.....	ترش	summer.....	تابستان [تابستان]
special.....	مخصوص	summit.....	قلله
specially.....	/-'san/ مخصوصاً	superlative (adj).....	برترین (صفت)
		surface.....	مساحت

rain <sup>2</sup> inf.....	باریدن – بار	return inf.... /bərgərd/
Razis.....	رازی	riddle..... (چیست آن؟)
really.....	راستی قید	right..... راست [راست]
reason.....	دلیل (جمع: دلایل)	S
reception.....	پذیرش	saloon..... سالن
reckoning.....	شمار	salt..... نمک
recognition.....	شناسایی	saltless..... بی‌نمک
recognize inf.....	شناختن – شناس	salty..... شور
	[می‌شناسم]	saving..... پس‌انداز
red.....	سرخ، قرمز	خُداحافظی کردن..... say goodbye inf
related (to).....	مربوط (به)	خُداحافظی..... saying goodbye
relative <sup>1</sup> n.....	/məʊ'sul/ مُوصول	مَدِرِیْسہ..... school
relative <sup>2</sup> adj.... /mowsu'li/ صفت..... مُوصولی	(جمع: مَدِرِیْسہ‌ها، مَدارِس)	
relavent.....	مرتّب	دانش..... science
religion.....	دین	دانشمند..... scientist
remainder.....	[بَقِيَّه] [بَقِيَّه]	دریا..... sea
republic.....	جمهوری	فصل..... season
reside.....	إقامة کردن	دُوْم..... second (2nd)
residence.....	إقامة	فرعی..... secondary
respect.....	احترام	مُنْشی (جمع: مُنْشی‌ها)..... secretary
rest <sup>1</sup> n.....	[إِسْتِرَاحَة] [بَقِيَّه]	خُود..... self
rest <sup>2</sup> inf.....	إِسْتِرَاحَةٌ کَرْدَن	فِرْسَتَان – فِرْسَت [می‌فِرْسَت]..... send inf.
resting-place.....	[آرامگاه] [h/ آرامگا]	شَدِید..... severe

period.....	دُوره /ow/، مُدت	positive.....	مُثبت، مُطلق (صفت)
permission.....	إجازه	possess inf.....	دارای ... بودن رسمی
permit inf.....	إجازه دادن	possibility.....	إمكان
Persian hand-writing.....	تسْعَلِيق	possible.....	ممکن
person.....	شَخْص	pour inf.....	ریختن - ریز
personal.....	شَخْصی	pray inf.....	دعا کردن
pharmacy.....	دارو خانه [داروخونه]	prayer.....	دعا، نماز
physician.....	پزشک	prefix.....	پیشووند
pilgrimage.....	زيارة	prescription.....	نُسخه
place.....	نقطه (جمع: نقطه‌ها، نقاط)	presence.....	تشریف رسمی
place of pilgrimage.....	[زیارتگاه]	present perfect.....	گذشته‌ی نقلی
play inf.....	بازی کردن	primary.....	اصلی
playing.....	بازی	programme.....	برنامه
poem.....	شعر (جمع: شعرها، آشعار)	progressive.....	جاری
poet.....	شاعر (جمع: شاعران، شعراء)	prohibitive.....	نهی
point.....	نقطه (جمع: نقطه‌ها، نقاط)	pronunciation.....	تلفظ
Poland.....	لهستان	proverb ..... /zarbol-/	ضرب المثل
Polish.....	لهستانی	put on inf.....	پوشیدن - پوش
pomegranate.....	آنار	pyjamas.....	پیزامه
pool.....	استخر	Q	
population.....	جمعیت [جمعیت]	quarter.....	ربع [ربع]
	(جمع: جمیعت‌ها)	rain <sup>1</sup> n.....	R
			باران [بارون]

no one.....	هیچ‌کس [هیشکی]	original.....	اصلی
normal.....	عادی	out.....	خارج
notebook.....	دفترچه	outside.....	خارج
nothing.....	هیچ‌چیز /hiččiz/ [هیچّی]	own.....	خود
now.....	آکنون <small>(رسمی)</small>		P
number.....	شمار، عدّه	painting.....	نقاشی
O		palace.....	کاخ
occasion.....	بار	park.....	پارک
of course.....	البته	participate (in) inf	شرکت
offspring of an imam.....	إمامزاده		شرکت کردن (در)
of the name of.....	به نام /nāme/ <small>(رسمی، به اسم)</small>	participation.....	شرکت
of what occupation.....	چکاره [چیکاره]	party.....	میهمانی = میهمانی [مهمنوی]
old.....	پیر	pass inf.....	گذشتن - گذار [می‌گذرم]
omission.....	حذف	passive.....	مجھول
one by one.....	یکی یکی	passport.....	گذرنامہ
open.....	آزاد	parenthesis.....	پرانتز
opposite .../moqā'bele/ مُقاَبِل، دَرْ مُقاَبِل		patient n.....	بیمار
orange.....	پُرتقال	peace be with you	
order <sup>1</sup> n.....	ترتیب؛ فرمایش	سلام علیکم [سلام علیکم]	
order <sup>2</sup> inf.....	فرمودن - فرما	perfectly.....	/-ilan/ کاملاً
ordinal.....	ترتیبی	perform one's prayers inf	
origin.....	اصل		نماز خواندن
		perhaps.....	/šāyad/ شاید

market	بازار	mouth	دهان [دَهَن]
mausoleum	[آرامگاه] /h/[آرامگاه]	movie	فیلم
May it be wholesome for you!		much	پسیار
	نوش جان [نوش جون]	museum	موزه
meaning	معنی	music	موسیقی
medical	پزشکی	<b>N</b>	
medicine	پزشکی؛ دارو	named	به نام /nāme/، به اسم /esme/
metre	متر	nation	ملّت (جمع: ملّت‌ها، ملّ)
middle	وسط	national	ملّی
migrate inf	مُهاجرت کردن	need inf	لازم داشتن
migration	مُهاجرت	negative imperative	نهی
million	میلیون [میلیون]	neither ... nor ...	نه ... (و) نه ...
mistake	[اشتباه]	never	هرگز، هیچ وقت [هیچ وقت]
	(جمع: اشتباهات، اشتباهها)	new	تاژه
modern	جدید	next adj.	آینده
month	/h/ ماه	night before last night	پریشب
monument	آثار (جمع: آثار، آثارها)	no	نهیبر
more adj, adv	بیش، بیشتر	nobody	هیچ کس [هیشکی]
more often adv	بیشتر	nominal	اسمی
most	بیشترین	non	غیر
mountain	[کوه]	none	هیچ
mountain-climbing		non-Iranian	غیر ایرانی
	کوهنوردی [کوهنوردي]		

just now.....	آآن [آلن]	-less.....	بی پیشوند.....
<b>K</b>			
khaki.....	خاکی	light.....	سبک.....
kilo.....	کیلو	like prep.....	مثُل [mesle] [مثِل]
kilometre.....	کیلومتر		مانند [mā'nande] [مانَند]
kindness.....	لطف	line.....	خط.....
king ..... [پادشاه، شاه /h/ [پادشاہ، شاہ]		literal.....	ادبی.....
kiss n.....	بوسہ	literature.....	ادبیات.....
know inf.....	بلد بودن؛	little by little.....	کم کم.....
شناختن - شناس (می‌شناسم)		little garden.....	باغچه.....
Koran.....	قرآن	located.....	واقع [واقع]
<b>L</b>			
lake.....	دریاچه	longest night of the year.....	شبی
last adj.....	آخر	یلدۀ فارسی + عربی = شبِ چله فارسی	
last year.....	پارسال	look <sup>1</sup> n.....	نگاه [نگاه، نیگا]
lavatory.....	دستشویی [دستشویی]	look <sup>2</sup> inf.....	نگاه کردن [نگاه، نیگا]
learn inf.....	آموختن - آموز رسمی،	love.....	عشق.....
یاد گرفتن		luggage.....	بار.....
<b>M</b>			
learning.....	آموزش	machine.....	ماشین.....
Lebanon.....	لبنان	make difference inf.....	فرق کردن.....
Lebanese.....	لبنانی	man.....	إنسان؛ مرد
left.....	چپ	mankind.....	إنسان
length.....	طول	many.....	بیمار

hospital	بیمارستان	inside <sup>1</sup>	n.....	داخل
hotel	هتل	inside <sup>2</sup>	prep .... /dā'xele/ دَرِ داخلِ	داخل، در داخل
how	چگونه رسمی [چطور، چطوری]	instead of	..... /'jāye/ بِهِ جای	
hungry	گرسنه [گرسنگ، گشنه]	interest	..... علاقه	
husband	/ow/ شوهر	interested	..... علاقه‌مند	
<b>I</b>				
If God will	[إنشاء الله /h/ [إِنْشَاءُ اللَّهِ]]	interesting	..... جالب	
ignorance	نادانی [نادونی]	interestingly	..... جالب	
ignorant	نادان [نادون]	interesting to see	..... دیدنی	
I hope	[إنشاء الله /h/ [إِنْشَاءُ اللَّهِ]]	intermediary	..... میانجی	
ill	بیمار	international	..... /beynol- بین‌المللی	
illness	بیماری	interrogative	..... سؤالی	
imam	امام	in the form of	..... /su'rate/ به صورت	
importance	اهمیت [آهمیت]	in the middle of prep	..... وسطی، در وسط	
important	مهم	in the shape of	..... /'šekle/ به شکل	
indicate inf.	نشان دادن	intonation	..... آهنگ	
indicator	نشان دهنده	introduce inf.	..... معرفی کردن	
in fact	در واقع	introduction	..... معرفی	
infinitive	مصدر	invitation	..... دعوت [دعوت]	
inform inf.	اطلاع دادن	invite inf.	..... دعوت کردن	
informal	غیررسمی	Islam	..... اسلام	
information	اطلاع (جمع: اطلاعات)	Islamic	..... اسلامی	
inscription	کتیبه			J

formation	شکیل	ground	زمین
for this reason	به این دلیل	group	گروه /h/ (جمع: گروه‌ها)
free	آزاد	guest	مهمان = میهمان [مهمن]
freedom	آزادی		H
fresh	تازه	hall	تالار، سالن
friendly	دوستانه	hand	دست [دَسْت]
fruit	میوه	happy	خوشحال
fruit-shop	میوه‌فروشی	hard	سخت [سَخْت]
full	پُر، سیر	have inf	دارای ... بودن
future	آینده اسم	have a good time inf	

**G**

game	بازی	head	سر
garden	باغ (جمع: باغ‌ها، باغات)	hear inf	شنیدن – شَوْ [می‌شَنَوْم]
get acquainted (with) inf		heavy	سنگین
	آشنا شدن (با)	height	ارتفاع [اِرْفَاع]
get in touch with inf	تماس گرفتن با...	hello	سلام عَلَيْكُم [سلام عَلَيْکُم]
gift	بخشن	help <sup>1</sup> n.	کمک
go inf	تشریف بُرَدَن رسمی	help <sup>2</sup> inf.	کمک کردن
gold	طلا	highway	بزرگراه /h/ [بَزَرْگَرَاه]
go on pilgrimage inf	زيارة کردن	historical	تاریخی
grandmother	مادر بزرگ (جمع: مادر بزرگ‌ها)	Holland	هلند
green	سبز	hope	آمید
		hopeful	آمیدوار

enigma.....	مُعَمَّـا	expensively.....	گِرَان [گِرُون]
enjoy inf.....	لِذَّت بُرْدَن (از)	expression.....	اصطلاح
enter inf.....	وارِد شَدَن	(جمع: اصطلاحات، اصطلاحها)	
entered.....	وارِد	eye.....	چَشْم = چَشْم آَبَى
entertainment.....	پَذِيرَى		F
equal.....	مانند، مِثْل إِسْم	face.....	صُورَة
European.....	أُروپَائِي	fact.....	واقع [واقع] إِسْم
even.....	/hattā/ حتّى	faculty.....	دانِشَكَدَه
evening.....	عَصْر	famous.....	مَعْرُوف
everybody.....	هَرَكَس [هَرَكَى]	feast.....	جَشْن
everyone.....	هَرَكَس [هَرَكَى]	fever.....	تَب
everything.....	هَرَجِيز [هَرَجِى]	film.....	فِيلِم
examination.....	[مُعَايِنَه]	finish inf.....	تَمامَ كَرَدَن
examine inf.....	[مُعَايِنَه كَرَدَن]	finished.....	تَامَ [تَمُوم]
excellent.....	/bahbah/ بَهَبَه، عَالِي	first.....	أَوَّلَين، يِكُم
exclamatory.....	/ow/ صُوتِي	flower.....	گُل
excuse.....	مَعْذِرَت	flowing.....	جارِي
exercise <sup>1</sup> n.....	وَرْزِش	foot.....	پا
exercise <sup>2</sup> inf.....	تَمْرِين كَرَدَن، وَرْزِش كَرَدَن	foreign.....	خَارِجِي
exist inf.....	وُجُود داشَتَن	foreigner.....	خَارِجِي
existence.....	وُجُود	forget inf.....	فَرَامُوش كَرَدَن
expensive.....	گِرَان [گِرُون]	forgotten.....	فَرَامُوش
		form.....	صُورَة

cultural	فرهنگی	dollar	دلار
culture	فرهنگ	dot	نقطه
(جمع: نقطه‌ها، نقاط)			
D			
dark	تاریک	dotted line	نقطه‌چین
darkness	تاریکی	down	پایین
date	خرما	dried fruits and nuts	آجیل
day after tomorrow	پس فردا	drive inf..... راندَن – ران [رونَدَن – رون]	
day before yesterday	پریروز	driver راننده (جمع: راننده‌گان، راننده‌ها)	
dear	عزیز	drooping خوابیده /xā-	
degree	درجه	Dutch هُلندی	
dialogue	گفتگو	E	
dictionary	واژه‌نامه	each other به هم	
difference	فرق	eatable خوردنی	
different	مُخْتِلف، مُتَفَاوت	education تحصیل [تحصیل]	
difficult	سخت [سخت]	educational تحصیلی	
difficulty	اشکال	Egypt مصر	
	(جمع: اشکالات، اشکال‌ها)	Egyptian مصری	
dirty	کثیف	either ... or ... يا ... (و) يا ...	
discuss	گفتگو کردن	embassy سفارت	
distance	فاصله	empty خالی	
division	قسمت	end آخر ایام	
doctor	پزشک	enemy دشمن	
doctorate	دکتری	England انگلستان	

cheque.....	چک	comparison.....	مقایسه
cinema.....	سینما	complement.....	مُتَّبِع
circle.....	دایره	complete.....	تمام [تموم]
circular.....	دایرہ‌ای	completely.....	کاملاً /-lan/
civilization.....	تمدن	complex.....	مجمعیعه
clean.....	تمیز	compound.....	مرکب
clear.....	صف	consist of inf.....	شامل ... شدن، شامل ... بودن رسمی
close relatives and friends.....	نزدیکان	contact <sup>1</sup> n.....	تماس
coat.....	کت	contact <sup>2</sup> inf.....	تماس گرفتن (با)
cognate.....	هم خانواده	contemporary.....	معاصر
cold.....	سرد	continuation.....	إدامه
collection.....	مجموعه	continue inf.....	إدامه دادن
colour.....	رنگ	continuous.....	استمراری
column.....	ستون	convenient.....	راحت
combination.....	ترکیب	cook inf.....	پختن - پز
(جمع: ترکیبات، ترکیب‌ها)		cool.....	خنک
combine inf.....	ترکیب کردن	coordinate.....	هم پایه
come inf.....	تشریف آوردن رسمی	correct inf.....	تصحیح کردن
coming.....	آینده صفت	correction.....	تصحیح [تصحیح]
command.....	فرمایش	count inf.....	شمردن - شمار [می‌شمارم]
common.....	مشترک	course.....	دوره /ow/
comparative (adj).....	برتر (صفت)	credit.....	نیسیه
compare inf.....	مقایسه کردن		

bid inf.....	فرمودن – فرما	car.....	ماشین
birth.....	میلاد	caravan.....	کاروان
bitter.....	تلخ	caravanserai [کاروون‌سرای]	کاروان‌سرای
black.....	سیاه [سیاهه]	carpet.....	فرش
blue.....	آبی	carry inf.....	بردن – بر
both.....	هر دو	cash.....	نقد
both ... and ... .....	هم ... (و) هم	cash card.....	کارت پول
branch.....	رشته، شعبه	cause to reach inf.....	رساندن – رسان
Brazil.....	برزیل	[رسوندند – رسون]	رسوندند – رسون
Brazilian.....	برزیلی	cave.....	غار
break inf.....	شکستن - شکن	centre.....	وسط ایسم
bring inf...[ آوردن – آور [آوردن، میارم	(جمع: مرکِز، مرکَزها)		مرکَز (جمع: مرکِز، مرکَزها)
broken.....	شکسته	century.....	قرن
brown.....	قهوه‌ای	ceramics.....	سرامیک
build inf.....	ساختن – ساز	certainly..... /-man/	حتماً
building.....	ساختیمان [ساختیمون]	change <sup>1</sup> n.....	تغییر
but.....	/'vali/ ولی		(جمع: تغییرات، تغییرها)
by.....	/'daste/ بِه دستِ	change <sup>2</sup> n (money).....	پول خُرد
by reason of.....	/da'lile/ بِه ذلیل	cheap.....	آرزان [آرزون]
<b>C</b>		cheaply.....	آرزان [آرزون]
cable-car.....	تله کابین	check inf.....	علامت زَدن
call inf.....	صدا کردن	check mark.....	علامت
capital.....	[پایتخت	cheerful.....	خوش

anything interesting to see.....	دیدنی	bazaar.....	بازار
apologize inf.....	مَعْذِرَت خواستَن	beat inf.....	زَدَن - زَن
apology.....	مَعْذِرَت	beautiful.....	زیبا
appositive.....	بَدَل	be brought inf.....	آورده شَدَن
aquatic.....	آبی	be built inf.....	ساخته شَدَن
architecture.....	معماری	become ill inf.....	بیمار شَدَن
arrived.....	وارد	be cured inf.....	خوب شَدَن
art.....	هُنْر	be different inf.....	فرق داشَتَن
article.....	حَرْف تَعرِيف	before.....	/-lan/ قبلًا
artist.....	هُنْرَمَند	be formed inf.....	شَكِيل شَدَن
artistic.....	هُنْری	begin inf, vi.....	شروع شَدَن
ask inf.....	پُرسیدَن - پُرس	be invited inf.....	دعَوت شَدَن
assembly.....	مجَمَع	be made inf.....	دُرْست شَدَن
ATM card.....	کارت پُول	be omitted inf.....	حَذف شَدَن
attachment.....	عَلاَقَه	be possible inf.....	إِمْكَان داشَتَن
Avicenna: Iranian.....	ابن سينا	be present inf.....	شَرِيف داشَتَن رَسمی
philosopher and physician		be pronounced inf.....	تَلْفُظ شَدَن
<b>B</b>			
bank.....	بانک	be reckoned inf.....	بِه شُمار رَفَقَن
banknote.....	اسْكِنَاس	be situated inf.....	قَرار داشَتَن رَسمی
basketball.....	بَسَكِتَبَال	best.....	بَرْتَرِین، بِهْترِین
bath.....	حَمَام [حَمُوم]	better.....	بَرْتَر، بِهْتر
bathroom.....	حَمَام [حَمُوم]	between.....	بَيْن
		be used inf.....	إِسْتِفادَه شَدَن، بِه كار رَفَقَن

# \* واژه‌نامه‌ی انگلیس به فارسی

## A

accept inf.	پذیرفتن – پذیر، قبول کردن	Afghanistan	آفغانستان
accomppanied	همراه /h/ [همراه]	afternoon	عصر
according to	مطابق /motā'beqe/	age	سین
account	حساب	airport	فرودگاه /h/ [فُرودگاہ]
Achaemenian	هخامنشی	all	تمام [تموم]
Achaemenid	هخامنشی	all right	چشم
ache <sup>1</sup> n.	درد	almost	تقریباً /-'ban/
ache <sup>2</sup> inf.	درد کردن	also	همچنین /'hamčenin/
acquaintance <sup>1</sup> con n.	آشنا	altogether	روی هم [رو هم]
acquaintance <sup>2</sup> abs n.	آشنایی	always	همیشه
acquainted	آشنا	amount (of money)	مبلغ
active	معلوم	ancient	باستانی
aeroplane	هوایپیما	and so forth	و غیره
		antonym	مخالف

\* این واژه‌نامه شامل ۵۱۲ واژه‌ی اصلی درس‌ها و حدود ۱۳۰ واژه‌ی مربوط به اشخاص، اماکن و توضیحات است. لغات جلد اول در این جلد تکرار نشده مگر تعدادی از لغات دستوری و ساختاری در توضیحات که به عنوان واژه‌ی اصلی در جلد دوم به کار رفته‌اند.